



معاونت امور زنان و خانواده
ریاست جمهوری



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

مجموعه جزوات آموزشی طرح ملی " طرح حمایت از توان‌افزایی زنان مدیر و مسئول استان‌ها "

درسنامه آموزشی

توانمندسازی مسئولان و فعالان دستگاه‌های اجرایی

در زمینه ارتقای حقوق زنان و عدالت جنسیتی

جلد اول

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری - دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور

۱۳۹۵- ویرایش اول

عنوان : درسنامه آموزشی "توانمندسازی مسئولان و فعالان دستگاه های اجرایی در زمینه ارتقای حقوق زنان و عدالت جنسیتی " جلد اول

تاریخ : ۱۳۹۵ - ویرایش اول

کارفرما: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور

تدوین : کمیسیون حقوق بشر اسلامی

نشانی: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری :

خیابان نجات الهی، بعد از چهار راه سپند، پلاک ۱۶۲

تلفن : ۸۸۸۹۷۷۷۳ نمابر : ۸۸۳۸۶۰۱۱

نشانی: دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور:

خیابان فاطمی، ساختمان وزارت کشور، ساختمان شهید رجایی، طبقه اول

تلفن : ۸۸۹۶۰۵۶۷ نمابر: ۸۸۹۵۷۵۲۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور می باشد.نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



پیشگفتار

با توجه به پیشرفت بسیار سریع علوم و تکنولوژی در جوامع و اهمیت تحقق وظایف و اهداف سازمان‌ها، لزوم آموزش منابع انسانی بیش از پیش ملموس می‌گردد. آموزش نیروی انسانی و ارتقاء توانایی‌های مدیران و مسئولان فعال در حوزه امور زنان و خانواده، می‌تواند به عنوان یکی از برنامه‌های راهبردی شناخته شود. این بدان دلیل است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، مسائل زنان و خانواده در رأس امور است. به معنایی دیگر، رشد و یا عقب ماندگی کشور به کیفیت این دو عامل پیوند دارد. بنابراین، پرورش نیروی انسانی پرورش یافته در مدیریت امور زنان و خانواده را می‌توان یکی از سرمایه‌های سازمانی دانست. درعین حال باید به این امر توجه داشت که آموزش و به‌سازی منابع انسانی، موجب بینش و بصیرت عمیق‌تر، دانش و معرفت بالاتر و توانایی و مهارت بیشتر نیروی انسانی در سازمان برای اجرای وظایف و مسئولیت‌های شغلی می‌شود و در نتیجه، نیل به هدف‌های سازمانی و نظام مدیریت منابع انسانی با کارایی و ثمربخشی بهتر و بیشتر محقق می‌گردد. از این رو، در راستای اجرایی سازی تفاهم‌نامه متبادله بین معاونت امور زنان و

خانواده ریاست جمهوری و وزارت کشور به شماره ۱۴۸۱۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۵، با موضوع توان‌افزایی زنان مدیران‌ها، اعضای زن شورای اسلامی شهر و روستا، دهیاران و شهرداران زن؛ برنامه "حمایت از توان‌افزایی زنان مدیر و مسؤول استان‌ها طی همکاری مشترک، در دستور کار معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و دفتر امور زنان وزارت کشور قرار گرفت و مقرر گردید از کلیه ظرفیت‌ها، منابع و امکانات موجود هر دو دستگاه بهره‌گیری کامل و کارآمدی انجام گیرد و کارگاه‌های آموزشی در سطح استان‌های کشور برگزار گردد. سرفصل‌های آموزشی طی برگزاری جلسات تخصصی تعیین و هماهنگی‌های لازم با کارشناسان امر و متخصصین صورت پذیرفت. آنچه پیش رو دارید محتوای درسنامه آموزشی با عنوان "توانمندسازی مسئولان و فعالان دستگاه‌های اجرایی در زمینه ارتقای حقوق زنان و عدالت جنسیتی" می‌باشد که توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی تدوین شده، و امید است بتواند سهم مؤثری در ارتقای دانش و مهارت‌های سازمانی زنان مدیر و مسؤول در استان‌های کشور و بهبود عملکرد آنان در حیطه برنامه‌ریزی توسعه استانی و محلی ایفاء نماید.

بنام خدا

انقلاب اسلامی با آرمان رهایی انسان از هر گونه ظلم و ستم شکل گرفت. زنان در شکل گیری انقلاب اسلامی همدوش با مردان در صحنه های مختلف مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حضور یافتند و تحت رهبری بنیانگذار کبیر انقلاب (ره) زمینه به بار نشستن آرمان یاد شده و پیروزی انقلاب را فراهم آوردند. بدین ترتیب، عرصه جدیدی از حضور و مشارکت زن در جامعه ایران با رعایت موازین دینی آغاز شد. متعاقب آن، با تدوین قانون اساسی نظام تازه شکل گرفته جمهوری اسلامی ایران، حمایت برابر قانون از زن و مرد و حقوق انسانی و شهروندی آنان در اصول مختلف میثاق ملی مورد شناسائی و تاکید قرار گرفت.

در فرایند چند دهه حیات جمهوری اسلامی تحت زعامت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته، صدها تجربه مثبت برای ارتقای حقوق زن به وقوع پیوست و البته هم چنان در برخی زمینه ها

دغدغه‌ها برای رعایت عدالت و ارتقای حقوق همه شهروندان از جمله زنان باقی است و نیازمند تلاش‌های بیشتر و نوآوری‌ها و هم‌افزایی‌های موثر می‌باشد.

روند ارتقای حقوق شهروندان در هر جامعه قانونمند، با رعایت حاکمیت قانون معنا پیدا می‌کند. رعایت اصل مزبور نیازمند دانش و مهارت لازم همه شهروندان و کارگزاران دستگاه‌های رسمی نسبت به قواعد حقوقی و قانونی است آن‌گونه که بدانند هر دستگاه و سازمانی و هر شهروندی چگونه می‌تواند در فرایندهای قانونی برای بهتر شدن امور کشور منشا اثر واقع شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز در همین چارچوب لازم است به صورت مستمر آگاهی‌های حقوقی و قانونی و توانمندسازی عمومی توسعه پیدا کند. اجرای برنامه‌های دانش‌افزایی مناسب برای زنان یا در راستای ارتقای حقوق زنان و با مشارکت مردان از جمله نیازهای دارای اولویت کشور است.

مجموعه متون آموزشی توانمندسازی حقوقی زنان و عدالت جنسیتی که در چند مجلد و با بهره‌مندی از مشارکت اساتید و حقوقدانان برجسته کشور تدوین و به تدریج ارائه خواهد شد با هدف پاسخ

دهی به نیاز یاد شده فراهم آمده است. در این مجموعه سعی شده که با زبان ساده مباحث فنی و تخصصی حقوقی مورد نیاز در فرایند توانمند سازی حقوقی زنان ارائه شوند. لازم است در جریان اجرای این متون آموزشی، مطالعات ماقبل هر درس و گفتگوهای جمعی حین اجرای هر درس و مطالعات پس از برنامه آموزشی با رجوع به منابع معرفی شده، به خوبی رعایت شود تا مهارت افزائی لازم برای فراگیران تامین گردد.

امید است مجموعه این تلاش که در آستانه سی و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مورد بهره برداری اولیه قرار می گیرد، مرضی خداوند سبحان واقع شود و موجبات شکوفائی هر چه بیشتر تلاشها برای ارتقای وضعیت زنان و عدالت جنسیتی در کشور عزیزمان را فراهم آورد.

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

بهمن ۱۳۹۵

- درس اول: آشنائی با حقوق، توانمندی حقوقی
واهداف توانمند سازی
- درس دوم: نگاهی به مبانی و منابع حقوقی
ارتقای وضعیت زنان
- درس سوم: مروری بر رویکردهای فکری مختلف
مربوط به حقوق زنان و عدالت جنسیتی در ایران
- درس چهارم: آشنائی با برخی سازوکارهای
حقوقی ملی و جهانی مرتبط با زنان
- درس پنجم: نگاهی به نقش قوای سه گانه و سایر
نهادهای عمومی در روند پیشبرد حقوق زنان و
عدالت جنسیتی
- درس ششم: نقش جامعه و تشکل ها و شبکه های
مردمی در ارتقای توانمندی حقوقی زنان

درساول: آشنائی با حقوق، توانمندی حقوقی واهداف توانمند سازی

از فراگیر انتظار می رود در این درس:

- ۱- با معنای حقوق به صورت اجمالی آشنا شود.
- ۲- تشخیص دهد که به عنوان مسئول رسمی در حیطه امور زنان یا فعال مدنی با کدام معنای حقوق سروکار بیشتر پیدا میکند و باید دانش خود را ارتقا بخشد.
- ۳- با مفهوم توانمندسازی و ابعاد توانمندسازی حقوقی آشنائی مختصری پیدا کند .
- ۴- حساسیت های او برای شناخت جزئیات توانمندسازی حقوقی زنان و پیگیری اهداف مربوطه ارتقا یابد.

مقدمه:

بشر از دیر باز تاکنون برای اداره امور زندگی فردی و اجتماعی اش قواعد و ضوابطی را ملاک قرار داده است. قواعد مزبور بعضا آموزه های ادیان الهی و بعضا محصول عقل و فهم انسان و توافقات گروهی افراد یک جامعه بوده است. در روند تکامل زندگی انسان، ضوابط وقواعد اداره امور نیز رشد یافته چنانچه امروزه سوابق قابل توجهی از قواعد زیست جمعی تمدنهای دوره باستان اعم از یونان، رم، ایران، مصر، چین و برخی مناطق دیگر شناسائی شده و مورد بررسی کارشناسان قرار گرفته است. قانون حمورابی که به دستور شاه بابل در ۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح نوشته شد یکی از قدیمی ترین اسناد شناخته شده حقوقی جامعه بشری است که نشان می دهد چگونه فرمانروای یک سرزمین پهناور حقوق و روابط افراد در ابعاد تجارت، مناسبات مدنی و امور کیفری را مقرر نموده است. ستون سنگی انعکاس دهنده قانون حمورابی در سال ۱۹۰۱ میلادی در شوش خوزستان ایران از دل خاک کشف شده و هم اینک در موزه

لوور پاریس نگهداری میشود^(۱). فرمان کورورش سند حقوقی دیگری است که در سال ۵۳۸ قبل از میلاد مسیح از سوی بنیانگذار سلسله هخامنشی در تمدن ایران باستان صادر شده و امروز به عنوان سندی متضمن شناسائی برخی حقوق و آزادیهای انسانی شناخته میشود^(۲). مشابه این گونه اسناد حقوقی را در متون مقدس ادیان مختلف نیز می توان یافت چنانچه در قرآن کریم احکام حقوقی متعدد یافت میشود یا در سنت پیامبر اسلام(ص) و سایر اولیای الهی نمونه های مختلف قاعده گذاری عمومی قابل شناسائی است^(۳).

با در نظر گرفتن سیر تاریخی رشد مناسبات و روابط انسانها با یکدیگر در سطح جهان، طبیعتاً تدوین اسناد حقوقی جزئی و مربوط به عرصه های مختلف زندگی انسان نیز توسعه پیدا کرده آن گونه که امروزه بسیاری از اصطلاحات و کلید واژه های ذیربط توضیحات

^۱ - قانون حمورابی با ترجمه، حسین بادامچی، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مقاله ای با عنوان زن در قانون حمورابی را تدوین و منتشر کرده است که در سامانه این نهاد در دسترس است <http://www.aihrc.org.af/home/article/4818>

^۲ - فرمان کورورش بزرگ، عبدالمجید ارفعی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ ۱۳۹۰

^۳ - محققان مختلفی آیات حقوقی قرآن را در مجموعه های آیات الاحکام تدوین و با شرح و بسط منتشر کرده اند. سنت پیامبر اسلام و سایر اولیای دینی نیز در قالب کتب روایتی شیعه و سنی گردآوری و در دسترس همگان است. استفاده های حقوقی از آیات و روایات را فقها در استنباطات فقهی خود به عمل میآورند.

تخصصی دارند که اگر کسی به آنها واقف نباشد ممکن است در انجام وظائف خود موفق نباشد یا نتواند حقوق خود را به خوبی مورد صیانت قرار دهد. برای اینکه مخاطب غیر آشنا با متون تخصصی حقوقی و قانونی مختصر اطلاعاتی در این زمینه بدست آورد لازم است ابتدا معانی مختلف حقوق روشن شود تا پس از آن بتوان دریافت که توانمندی حقوقی به چه معناست و توانمند سازی حقوقی چه هدف هایی را دنبال می کند؟

گفتار اول) مروری بر معانی حقوق

۱- در مورد معانی حق و حقوق بحث های زیادی صورت گرفته و آثار تحقیقی متعددی منتشر شده است. عجلالتا بدون ورود در بحث های تفصیلی ذیربط چند نکته ساده در این زمینه قابل ذکر است:

- حقوق گاه به معنای جمع حق است که در زبان انگلیسی مفرد آنرا Right و جمع آنرا Rights می گویند. در این کاربرد طبیعتا هر معنایی که برای حق قائل شویم در حالت جمع آن نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در این معنا هر وقت گفته شود هر انسانی حق حیات، حق مالکیت، حق

آموزش و... دارد در مجموع حقوق انسانی یا شهروندی او را بیان کرده ایم^(۴).

- حقوق گاه به معنای مجموعه مقررات اجتماعی است. به عبارت دیگر مجموعه باید ها ونباید هایی که در زمان معین بر جامعه ای مشخص حکومت می کند و هدف آن تامین و نظم و عدالت است، کاربرد دوم واژه حقوق است. این معنامترادف واژه تشریح در عربی و Law در زبان انگلیسی است. حقوق در این معنا تقریباً با قانون نیز هم معنا خواهد بود اگرچه در صورت تفصیل موضوع معلوم میشود که فرق هائی نیز با هم دارند^(۵).

- حقوق گاه به معنای یک رشته علمی معین بکار می رود. در رشته حقوق که از جمله رشته های علوم انسانی است مباحث تخصصی هر یک از دو معنای قبلی و سایر قواعد و مقررات حاکم بر ابعاد مختلف زندگی انسان در عرصه ملی یا جهانی بحث و بررسی میشود. به همین جهت خود رشته

^۴ - در آمدی بر فلسفه حق، محمد حسین طالبی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۳، ص ۱۴

^۵ - مقدمه علم حقوق، ناصر کاتوزیان، بهنشر، ۱۳۶۸، ص ۱ همچنین مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، مصطفی دانش پژوه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۹، ص ۶

حقوق گرایشهای تخصصی جزئی تری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا پیدا میکند مانند حقوق بین الملل، حقوق عمومی، حقوق خصوصی، حقوق تجارت بین الملل، حقوق بشر، حقوق اقتصادی و...^۶

امروزه مباحث مطرح در دانش حقوق آن چنان گسترش یافته که هر حقوقدانی حسب رشته تخصصی خود ورود می کند و این گونه نیست که حقوقدانی بتواند در همه گرایشهای تخصصی حقوقی اظهار نظر دقیق انجام دهد^۷. ضمناً حقوق گاه به معنای دستمزد کارکنان سازمانها نیز گفته میشود که این کاربرد در همان مورد خاص رواج دارد.

۲- معمولاً مدیران نهادهای امور زنان و دست اندرکاران و فعالان مدنی ذیربط با همه معانی حقوق سرو کار پیدا می

^۶ - تعداد رشته های تخصصی دانش حقوق در دنیای امروز بسیار گسترش یافته چنانچه رشته مطالعات حقوقی زنان در برخی مراکز دانشگاهی جهان خود رشته مستقلی در تحصیلات عالی است.

^۷ - همین تخصصی شدن حوزه های مختلف دانش حقوق باعث شده که وکالت دعاوی مختلف حقوقی نیز تخصصی شده است و وکلای متمرکز بر حوزه های گوناگون مسائل حقوقی و قضائی شناخته شده هستند.

کنند. حالت های مراجعه به هر سه مفهوم حقوق، بشرح زیر است:

الف) در مواردی درصد بر می آیند تا حق های افراد و گروههای مورد نظر ومسئولیت های مرتبط را شناسائی کنند یا برای اجرای آن تلاش های مختلف را معمول دارند.

ب) در مواردی نظام حقوقی کشور را مورد مطالعه و پیگیری قرار میدهند تا از ظرفیت های مثبت موجود در قوانین ومقررات استفاده لازم را در جهت بهبود امور جامعه به عمل آورندومتقابلا اشکالات ونقاط ضعف در مقررات را شناسائی کرده واز طریق مجاری قانونی مرتفع سازند.

ج) در مواردی برای اینکه جزئیات حق ها وتکالیف ومسئولیت های مربوطه را بدانند یا در نظام حقوقی منشا اثر واقع شوند به طور طبیعی به دانش حقوق وصاحب نظران ذیربط مراجعه کرده واطلاعات لازم علمی و کاربردی را بدست می آورند، سپس اقدامات مورد نیاز را عملی میسازند.

۳- در تمامی موارد کاربرد معانی مختلف حقوق، انسان کم و بیش با دانشهای متنوع دیگر نیز سروکار پیدا میکند مثلاً وقتی مفهوم حق انسان ونقطه مقابل آن یعنی تکلیف او مطرح میشود از دانش فلسفه، منطق، انسان شناسی، اخلاق و در کشور ما از فقه و اصول فقه نیز بهره برداری به عمل میاید^۸) یا وقتی حقوق به معنای مجموعه مقررات ونظام حقوقی یک جامعه یا حقوق به معنای یک رشته تخصصی علوم انسانی مد نظر قرار میگیرد به طور طبیعی با علوم دیگر مانند جامعه شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی و در کشور ما فقه و اصول فقه و برخی حوزه های دیگر مطالعات اسلامی نیز سروکار پیدا میشود. بر همین اساس، اگر مسئولان نهادهای رسمی یا فعالان مدنی اطلاعات بیشتر علمی داشته و بتوانند از دستاوردهای علوم مختلف بهره بگیرند در حیظه تلاشهای حقوقی نیز موفق تر خواهند بود.

۴- در کشور ما به جهت اینکه نظام حقوقی مبتنی بر نگرش توحیدی شکل گرفته است در بحث های حقوقی اعم از تعاریف و مفاهیم،

^۸- به عنوان نمونه ببینید کتب تحلیلی حق را مانند فلسفه حق، ناصر کاتوزیان، ۳ جلد، سهامی انتشار، ۱۳۷۷ یا درآمدی بر فلسفه حق، محمد حسین طالبی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۳ یا حق و تکلیف در اسلام، عبدالله جوادی املی، نشر اسراء، ۱۳۸۴

مبانی و منابع وقواعد و معیارها دائما نیازمند رجوع به اندیشه اسلامی هستیم^۹). به همین جهت اگر صرفا بر اساس اندیشه های غیر توحیدی رایج در برخی از دیگر نظامهای حقوقی جهان مساله یابی یا چاره یابی صورت گیرد قطعا نمی توان راهکارهایی متناسب با نظام حقوقی و قانونی جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ و مبانی این سرزمین ارائه کرد اگرچه شکل معکوس آن قابل اجرا و پیگیری است بدین صورت که با محور قرار دادن مبانی فکری و اعتقادی توحیدی می توان از دستاوردهای پیشرفته عقل بشری و تجربیات دیگر جوامع بهره مند شد. در درس های آتی راجع به مبانی و منابع حقوق و ضرورت بهره مندی شایسته از آنها برای ارتقای وضعیت زنان جداگانه توضیحاتی ارائه خواهد شد.

گفتار دوم) مروری بر دامنه نظری و کاربردی توانمندی و توانمند سازی حقوقی

۵- توانمندی از حیث لغوی معنای پیچیده ای ندارد و هر مخاطبی با ملاحظه این کلمه معنای قدرتمندی، توانائی و حتی اثرگذاری را در

^۹- مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، مصطفی دانش پژوه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
وسمت، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴-۱۴۶ و ۱۶۸-۲۰۱

ذهن خود تصور میکند. واژه های قابلیت و ظرفیت نیز اغلب مرتبط با توانمندی مطرح میشوند چرا که اگر ابتدا ظرفیت و قابلیت وجود داشته باشد یا شکل گیرد می توان برای شکوفائی آن تلاش کرد تا توانمندی و قدرتمندی و اثرگذاری تحقق یابد. به همین ترتیب، معنای لغوی ظرفیت سازی (Capacity Building) و توانمندسازی (Empowerment) نیز از حیث لغوی به سادگی قابل فهم است. اما اگر فراتر از معنای لغوی واژه توانمندی و توانمند سازی، به کاربرد تخصصی آن مراجعه کنیم در خواهیم یافت که در رشته های مختلف علمی از جمله مدیریت، روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق، اقتصاد، مطالعات توسعه و برخی رشته های دیگر مطرح است و در هر یک از دانشهای ذیربط توضیح و تفسیر خاص خود را دارد.

۶- از مهم ترین عرصه های کاربرد اصطلاح توانمندسازی، حوزه مطالعات و تلاشهای عملی مربوط به ارتقای وضعیت زنان است. چند دهه است که در سطح جهانی برای رفع بی عدالتی و تبعیض های علیه زنان این فهم مشترک حاصل شده است که با توانمندسازی زنان بهتر می توان به نحو پایدار تبعیض ها را پشت سر گذاشت. ابتدا

توانمندسازی در عرصه اقتصادی و مالکیت زن بیشتر کاربرد داشت^(۱۰) اما به تدریج بسط یافت چنانچه در کنفرانس جهانی زن ۱۹۹۵ در پکن معیارهای کمی و کیفی برای توانمندسازی زنان لحاظ شد و در روندها تحولات جهانی با محور قرار گرفتن توسعه انسانی به عنوان هدف مطلوب همه جوامع^(۱۱) و تاکید همه فرهنگ ها بر اینکه باید در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی وضعیت همه انسانها را ارتقا بخشید و اجازه نداد که افراد یا گروههایی در حاشیه قرار گرفته و از فرصت های برابر برای رشد و تکامل محروم شوند، توانمندسازی زنان نیز معطوف به همه جنبه ها شد و همه پذیرفتند که نمی توان با تقویت توانائی های زنان در برخی زمینه ها

^{۱۰} - حتی هم اینک نیز برخی نهادهای جهانی وقتی سخن از توانمندسازی زنان به میان میآوردند عمدتاً تمرکز بر توانمندسازی اقتصادی یا سیاسی میکنند. در نهاد زنان ملل متحد جایی که با عنوان اصول حاکم بر توانمندسازی زنان بیان میشود ۷ اصل توانمندسازی اقتصادی برجسته است. ببینید سامانه اطلاع رسانی ذیربط: [http://www.unwomen.org/en/partnerships/businesses-and-](http://www.unwomen.org/en/partnerships/businesses-and-foundations/womens-empowerment-principles)

[foundations/womens-empowerment-principles](http://www.unwomen.org/en/partnerships/businesses-and-foundations/womens-empowerment-principles)

^{۱۱} - از ۱۹۸۰ هر ساله واحد مشخصی در سازمان ملل به نام برنامه توسعه ملل متحد (undp) بر اساس شاخصهای معین وضعیت توسعه انسانی تمامی کشورهای جهان را رصد کرده و در قالب گزارشات سالیانه منعکس میکند که یکی از منابع مهم ارزیابی روند جاری در کشورهای مختلف است. در میان شاخصهای گزارشات سالیانه مزبور، نابرابری جنسیتی و توسعه جنسیتی نیز قرار دارند. برای ملاحظه گزارشات سالیانه به سامانه ذیربط رجوع شود: <http://hdr.undp.org/en/data>

و غفلت از سایر ابعاد زیست انسانی به وضعیت مطلوب نائل آمد.^(۱۲) اهداف توسعه پایدار ملل متحد که به حرکت و تلاش همه کشورها در دوره زمانی ۲۰۱۶ الی ۲۰۳۰ مربوط میشود موضوع توانمندسازی همه زنان و دختران و دستیابی به مساوات جنسیتی را در زمره هدف پنجم از اهداف هفده گانه و شاخصهای تابعه مورد توافق همه کشورهای جهان قرار داده است.^(۱۳)

۷- از توانمندسازی زنان تعاریف مختلفی ارائه شده است مثلا در یک تعریف گفته شده: "توانمندسازی زنان اشاره به ایجاد فضا و وضعیتی برای زنان دارد که آنها بتوانند تصمیمات مناسب با منافع شخصی خود وهم چنین منافع جامعه را اتخاذ و اعمال نمایند."^(۱۴) در تعریفی دیگر گفته شده: "توانمندسازی زنان به افزایش و توسعه

^{۱۲}- این نگرش همه جانبه در اهداف توانمند سازی زنان و عدالت جنسیتی برنامه توسعه ملل متحد کاملا تصریح شده است و حوزه های مختلف را در بر میگیرد. در صفحه اول بخش مربوطه سامانه نهاد مذکور قابل مطالعه است:

<http://www.undp.org/content/undp/en/home/ourwork/womenempowerment/overview.html>

^{۱۳}- برای ملاحظه اهداف یا آرمانهای ۱۷ گانه توسعه پایدار و جزئیات شاخصهای تابعه به سامانه مربوطه در سازمان ملل میتوان مراجعه کرد:

<http://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainable-development-goals/>

^{۱۴}-Empowerment:Its meaning and Importance, cited in [www.importantindia.com, Essays on women,2005](http://www.importantindia.com,Essays%20on%20women,2005)

قدرتمندی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوق زنان اشاره دارد آن گونه که بتوان حق برابر زنان را تضمین و اعتماد به نفس کافی برای مطالبه حقوقشان را در آنها ملاحظه کرد از قبیل اینکه بتوانند زیستی توأم با کرامت و احترام و کیفیت داشته باشند، بر زندگی خود در خانه، محل کار و جامعه کنترل کامل داشته باشند، بتوانند انتخاب‌ها و تصمیمات مورد نظر خود را اتخاذ نمایند، حق برابر برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و عمومی داشته باشند، از وضعیت اجتماعی برابر در جامعه برخوردار باشند، از عدالت اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند شوند، فرصت‌های برابر برای آموزش داشته باشند، در عرصه اشتغال بدون هر گونه تحقیر جنسیتی از حقوق برابر برخوردار شوند." (۱۵)

۸- برخی از محققان تاکید کرده‌اند که نظریه توانمندسازی بیشتر بر اساس نوشته‌های محققان دنیای در حال توسعه (جهان سوم) شکل گرفته و وارد ساختن در مباحث مربوط به فرآیند توسعه یک جنس وارداتی از مغرب زمین نبوده بلکه به مطالبه‌ای از سوی ملتهای خواهان توسعه و عدم عقب ماندگی در مقایسه با دولتهای توسعه

¹⁵ - Innovation for Women Empowerment and Gender Equality, International Center for Research on Women, 2009, pp46

یافته بوده است. (۱۶) در مطالعات انجام شده مربوط به توانمندسازی زنان معیارهایی مانند آگاهی برابر با دیگر افراد جامعه، دسترسی به منابع و فرصت ها به نحو برابر، مشارکت در اداره امور عمومی، بهره مندی از سلامتی و رفاه برابر و توانائی کنترل حقوق مطالبات انسانی خود در ابعاد مختلف مطرح شده است که البته این معیارها کامل نیست و می توان لیست مربوطه را جزئی تر و دقیق تر ارائه نمود (۱۷). برای تحقق معیارهای توانمندسازی زنان، تحول در نگرش ها و قابلیت های روانی و فردی، تحول سازمانی و ساختاری در جامعه از جمله در توزیع منابع و امکانات و در شرایط توسعه و زیست عمومی همه افراد و بهره مندی از حقوق انسانی لازم است.

۹- در نگرش اسلامی مفهوم توانمندسازی انسانی اعم از زن یا مرد در پرتو رسالت انسان در این جهان و مبدا و معاد و ارتباط او با خالق هستی تعریف میشود فلذا این گونه نیست که قادر سازی انسان برای

۱۶- مجموعه مقالات همایش توانمند سازی زنان، تهران، نشر مرکز امور مشارکت زنان ریاست

جمهوری، ۱۳۷۹

۱۷- در منابع فارسی راجع به توانمند سازی زنان که طی سالهای گذشته در کشور انتشار یافته، اغلب به همین معیارها یا برخی از این معیارها اشاره شده است حال آنکه در سطح جهانی معیارهای مزبور و برخی موارد دیگر را بر اساس شاخصها و اصول جزئی تر قابل ارزیابی کمی و آماری مشخص کرده اند تا مسئولان بخشهای مختلف وظائف خود را دقیق تر بشناسند و پاسخگو باشند.

نفی آموزه های الهی و مسئولیت های انسانی توجیه و مجاز دانسته شود و این دقت های اساسی در سه حیطه توانمندی فردی، اجتماعی و به طور خاص خانواده اعمال میشود^(۱۸).

۱۰- یکی از ابعاد توانمند سازی زنان، توانمندسازی حقوقی است. در برنامه های مربوط به توانمندسازی حقوقی تمرکز بر این است که زنان بتوانند از حقوق خود به نحو شایسته برخوردار و توانائی و مهارت احقاق حق را داشته باشند. در توانمندسازی حقوقی دغدغه اصلی این است که به جای استمرار حمایت موردی از زنان قربانی نقض حق و استمرار رویکرد ترحم و ضعیف پروری، شرائط و وضعیتی فراهم شود که خود زنان از آسیب پذیری دور شده و توانائی صیانت از حقوق خود را داشته باشند. برخی آثار علمی ذیربط اعلام می دارند که مفهوم کلیدی در توانمند سازی حقوقی، حقوق و قانون نیست بلکه قدرت است و منظور از قدرت کل فرایند و رابطه ساختارهای حاکم در مقابل افراد است به گونه ای که اگر افراد ضعیف باشند و توان چانه زنی کمی برای تعدیل قدرت و تامین

^{۱۸}- به عنوان نمونه مطالعات توضیح دهنده نظام معرفتی مبتنی بر نگرش اسلامی ببینید: فلسفه نظام حقوق زن، محمود حکمت نیا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۷۶-۲۲۷

حقوق داشته باشند، وضعیت منفی است و اگر خلاف این باشد توانمندی حقوقی وجود دارد^(۱۹). بنابر این توانمندسازی حقوقی بیش از آنکه صرفاً محدود به قوانین ومقررات شود دغدغه تحقق عدالت ومحدودسازی قانونمند قدرت از طریق ارتقای توانائی های شهروندان را پیگیری میکند^(۲۰). اینکه اولین بار در متون بین المللی چه زمان بحث توانمندسازی حقوقی در دو دهه اخیر مطرح شده و کدام اسناد آنرا منعکس کرده اند و شرح وبسط آنها چیست توضیحات زیادی دارد که در مرور فشرده حاضر چندان مورد نیاز نیست اما این نکته قابل تاکید است که توانمند سازی حقوقی هم یک فرایند است وهم فی نفسه خود یک هدف وهم به عنوان ابزار وطریقی برای ارتقای وضعیت زنان مطرح میشود یعنی باید تلاش کرد تا از این رهگذر هیچ زنی از منظر حقوقی آسیب پذیر ودر حاشیه وقربانی نقض حق باقی بماند.^(۲۱)

¹⁹ -Legal Empowerment in Practice ,edited by Lorenzo Cotula and paul Mathieu ,International Institute for Environment and Development and FAO,2008,pp9-20

²⁰ -Legal Empowerment THROUGH Legal Aid ,Sanna Josefin Benjaminsson , Lund University, 2014,p. 14

^{۲۱} - برای ملاحظه روند تاریخی طرح توانمند سازی حقوقی زنان در سطح جهانی از بدو آن در اوائل دهه ۲۰۰۰ میلادی تاکنون به اثر زیر مراجعه شود:

در توانمند سازی حقوقی زنان ابزارهای حقوقی و قانونی و ظرفیت های مربوطه همه بکار می آیند تا کرامت انسانی زنان در ابعاد مختلف صیانت شوند. به درستی برخی از محققان تاکید نموده اند که توانمندسازی حقوقی ریشه در رویکرد حقوق بشر بنیان به توسعه دارد که معتقد است عدم توانمندی موجب جدا افتادن و تبعیض افراد در یک جامعه و نهایتا آسیب پذیری و قربانی واقع شدن آنها میگردد^(۲۲).

توانمندسازی حقوقی زنان این امکان را فراهم میسازد که زنان ضمن برخورداری شایسته از تمامی ظرفیت های نظام حقوق داخلی و بین المللی، در صورت لزوم تحول در نظام حقوقی به منظور برقراری عدالت و رعایت کرامت همه انسانها را نیز مطالبه کنند. به این معنا توانمندسازی حقوقی زنان انواع مطالبات زنان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضائی را به عرصه قانون و نظام حقوقی می آورد و فقط محدود به دسترسی به مراجع قضائی و مهارت افزائی مطالبه برخی حقوق خاص زنان نیست.

Legal Empowerment, Practitioner Perspectives, Stephen Golub
,International Development Organization, 2010, p.9

²² -Legal Empowerment THROUGH Legal Aid, Sanna Josefina Benjaminsson,
Lund University, 2014, p.15

خلاصه مباحث:

در دنیای کنونی واقعیات زندگی بشر پیچیدگی و تنوع بسیار یافته است و به همین میزان، قواعد حقوقی حاکم بر نظم دهی به روابط انسانی نیز توسعه یافته است. قواعد حقوقی اگر در هر کشور جامع و همه جانبه نباشند اداره امور کشور از طریق حاکمیت قانون تامین نخواهد شد و دسترسی به عدالت غیر ممکن جلوه خواهد کرد. برای اینکه بتوانیم در جامعه خود نقشی مفید ایفا کنیم باید با حقوق و معانی آن آشنا شویم و دانش حقوقی خود را ارتقا بخشیم. ارتقای دانش حقوقی اولین قدم برای توانمندسازی افراد یک جامعه است. زنان اگر بخواهند از انواع آسیب پذیرها فاصله بگیرند باید مهارت افزائی خود را در بخش های مختلف حقوقی توسعه دهند و در فرایند تحولات حقوقی نقش مثبت ایفا کنند. توانمندسازی حقوقی زنان ابعاد مختلف این دغدغه ها را پیگیری میکند. توانمندسازی حقوقی در در صدد ایجاد فضائی است که از ارتکاب انواع نقض حقوق زنان پیشگیری شود، در فرایند اجرای قواعد حقوقی و قانونی مشارکت زنان تامین شود، در موارد نقض حقوق زنان اقدامات لازم حمایتی و جبرانی در دسترس قربانیان نقض حق قرار گیرد و نهایتاً

موجبات تحول در ساختارها وقواعد موجود با هدف صیانت از حقوق زنان فراهم گردد. جزئیات اقداماتی که در هر یک از این حیطه های کلان قابل پیگیری و اجراست لیست مفصلی را در بر میگیرد.

در این راستا تلاش زن ایرانی معتقد به مبانی و ارزشهای توحیدی و هدف گذاریهای متعالی زیست انسان سنگین تر از زنان جوامع سکولار خواهد بود چرا که می خواهد توانمند سازی حقوقی متناسب با دینداری و ارزشهای بومی از یکسو و نواندیشی و پویایی عقلانی و بهره مندی از تجربیات موفق بشری برای رسیدن به ابعاد مختلف توسعه و عدالت انسانی از جمله عدالت جنسیتی را محقق سازد.

پیشنهاد موضوع گفتگو:

- مبتنی بر مستندات عینی، در مورد میزان اطلاع زنان جامعه ایران از حقوق خود و پیامدهای آن، بحث و گفتگو شود.

- نمونه های مطالعات انجام شده مربوط به وضعیت نظام حقوقی ایران در موضوع حقوق زنان به بحث گذاشته شود تا شرکت کنندگان در برنامه دانش افزائی با نمونه های متنوع ارزیابی نظام حقوقی ایران در زمینه زنان بهتر آشنا شوند.

- با لحاظ اینکه توانمند سازی سیاسی یا اقتصادی زنان در سطح بین المللی با شاخصهای معین سنجش میشود و در مورد توانمندسازی حقوقی نیز کم و بیش معیارهای مورد تفاهم وجود دارد، نحوه توانمندسازی حقوقی زنان در مناطق مختلف کشور متناسب با اقتضائات هر منطقه به بحث گذاشته شود تا از یکسو مشخص گردد که نمی توان با یک روش واحد در همه مناطق، برنامه های توانمندسازی ذیربط را اجرائی کرد و از سوی دیگر به معیارهای مشترک را لیست نمائیم.

- اولویت های موضوعی توانمندسازی حقوقی مورد نیاز هر منطقه کشور، مورد بحث کارشناسان و فعالان همان منطقه قرار گیرد. مثلاً آیا اولویت توانمند سازی حقوقی زنان در

استان مورد نظر، حقوق سیاسی است؟ آیا اولویت حقوق زنان در خانواده است؟ آیا اولویت محیط کار و اشتغال و حقوق مربوطه زنان است و...

معرفی منابع دیگری برای مطالعه بیشتر:

- ۱- مقدمه عمومی علم حقوق، محمد جعفر جعفری لنگرودی، نشر گنج دانش، ۱۳۶۲
- ۲- کلیات مقدماتی حقوق، مهدی کی نیا، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
- ۳- مقاله‌معیارهای حقوقی توانمند سازی زنان، الهام فهیمی، ۱۳۸۶، شبکه اینترنتی آفتاب
- ۴- اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸، سازمان برنامه و بودجه، به ویژه بخش زنان صفحات ۱۴۵ الی ۱۶۶. هم چنین برای ملاحظه نمونه گزارش توانمندسازی مراجع رسمی مربوط به زنان در ایران: تک نگاشت های شماره ۳۴ تا ۳۸ با عنوان الگوسازی، ترویج و ارتقای توانمندیهای زنان و خانواده (مربوط به دوره زمانی ۸۴ الی ۹۱)،

نشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، بدون ذکر تاریخ
نشر.

۵- اثر تحقیقی مربوط به توانمندسازی حقوقی بر مبنای رویکرد
اسلامی موجود در سامانه موسسه افریقای شمالی-آسیای
غربی (وانا) به آدرس:

<http://haqqi.info/en/haqqi/research/legal-empowerment-islamic-perspective>

۶- اطلاعات گسترده بخش مربوط به توانمندسازی زنان در برنامه
توسعه ملل متحد (UNDP) به آدرس
اینترنتی:

<http://www.undp.org/content/undp/en/home/ourwork/womenempowerment/overview.html>

۷- اطلاعات گسترده بخش مربوط به توانمندسازی حقوقی در
سازمان بین المللی توسعه (IDLO) به آدرس
اینترنتی: [http://www.idlo.int/what-we-do/access-](http://www.idlo.int/what-we-do/access-justice/legal-empowerment)

[justice/legal-empowerment](http://www.idlo.int/what-we-do/access-justice/legal-empowerment)

۸- اطلاعات مربوط به کمیسیون بین المللی توانمندسازی حقوقی

فقرا از جمله گزارشات این نهاد موجود در:

https://en.wikipedia.org/wiki/Commission_on_Legal_Empowerment_of_the_Poor

۹- اطلاعات مربوط به توانمندسازی حقوقی در سامانه بانک جهانی:

<http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/TOPICS/EXTLAWJUSTINST/0,,contentMDK:20760740~menuPK:1990386~pagePK:210058~piPK:210062~theSitePK:1974062,00.html>

۱۰- دانشنامه حقوق قابل دسترس در سامانه اینترنتی

[/http://lawwiki.ir:](http://lawwiki.ir)

درس دوم: نگاهی به مبانی و منابع حقوقی ارتقای

وضعیت زنان

از فراگیر انتظار می رود در این درس:

- ۱- با مبانی و منابع حقوقی آشنائی اجمالی پیدا کند.
- ۲- با برخی مبانی اختصاصی حقوق زنان آشنا شود.
- ۳- با برخی ظرفیت های نظام حقوقی ایران به ویژه در پرتو قانون اساسی برای باروری قواعد حقوقی آشنا شود.
- ۴- حساسیت های او برای تامل و تفکر در مورد مبانی و منابع حقوق زنان در ایران و تطبیق مثالهای مختلف از وضعیت کنونی با وضعیت مطلوب بیشتر شود.

مقدمه:

وضعیت زنان در هر کشور در اثر عوامل و متغیرهای گوناگون، منفی یا مثبت میشود. متغیرهای اثرگذار بر وضعیت زنان طیف گسترده ای را شامل میشوند. عوامل حقوقی و قانونی یکی از انواع متغیرهای

اثرگذار در این زمینه هستند. وقتی سخن از عوامل حقوقی به میان می‌آید، ممکن است اذهان به این سمت و سو هدایت شود که فقط منظور قانون یا سایر مقررات لازم الاجرای کشور اعم از مصوبات دولت یا آئین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و دیگر ضوابط قانونی است اما واقعیت این است که از منظر دانش حقوق فقط به قانون و مقررات به عنوان عوامل اثرگذار در یک نظام حقوقی نگاه نمی‌کنند بلکه طیف وسیع‌تری را در نظر می‌گیرند که معمولاً این طیف گسترده ذیل عنوان مبانی نظام حقوقی و نیروهای سازنده قواعد حقوقی و منابع حقوق یک کشور معرفی و تحلیل میشوند.

مبانی و منابع حقوق در متون تخصصی ذیربط شرح و بسط فنی زیادی دارند که هم اینک قرار نیست آنها تکرار شوند بلکه به زبان ساده بناست به این پرسش پاسخ دهیم که اگر قرار باشد برای ارتقای وضعیت زنان در کشور خود تلاش کنیم باید به چه مبانی و منابع حقوقی دائماً توجه داشته‌ایم و از آنها غفلت نورزیم؟

گفتار اول) مبانی حقوقی اثرگذار در ارتقای وضعیت

زنان

۱- به طور کلی قواعد حقوقی حاکم بر همه زمینه های زیست انسان از جمله قواعد مربوط به زنان، دارای ریشه ها و منشا های معینی بوده و الزام آوری خود را بر اساس توجیه مشخصی کسب کرده و میکنند . نیروها و عوامل سازنده قواعد حقوقی متنوع هستند و در هر جامعه ای اثرگذاری خاص خود را دارند. در طول تاریخ، مکتب های فکری متنوعی برای تحلیل ریشه ها و بنیان های قواعد حقوقی و عوامل سازنده آن شکل گرفته است. اندیشه اسلامی خود دیدگاه و مکتب مستقلی در این زمینه دارد.

۲- وقتی می توان مبانی اثرگذار بر قواعد حقوقی حوزه زنان را در هر کشور بدرستی شناسائی کرد که ابتدا مبانی کل نظام حقوقی آن کشور و نه فقط حیطه قواعد مربوط به زنان را شناسائی نمود. در سطح جهانی چندقرائت کلان در این زمینه وجود دارد:

- برخی مکاتب فکری بر این باورند که هر چه قواعد حقوقی انعکاس دهنده حقائق و منطبق با آن باشند مشروعیت بیشتر و الزام آوری عمیق تری پیدا

میکنند.^{۳۳} در این نگرش، دولت‌ها آزاد نیستند که هر قاعده‌ای که خواستند را در فرایندهای قانونگذاری وضع کنند بلکه باید قواعدی را وضع کنند که با واقعیات عالم و عدالت هماهنگ باشد.

- در مقابل، مکاتب دیگری بر این اعتقادند که قواعد حقوقی لزوماً از امر واقع و عینیتی حکایت نمی‌کنند و بر آن استوار نیستند بلکه ملاک اعتبار آنها انطباق با اراده قانونگذار است و اینکه چه مفهومی مد نظر او قرار گرفته است. اینکه قانونگذار کیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و اختیاراتش چیست نیز در مباحث مربوطه خود بحثی است و نظرات مختلفی در این مورد مطرح میشود.^{۳۴}

- طیف سوم به نگاه ترکیبی معتقدند بدین معنا که قواعد حقوقی آمیخته‌ای از حقیقت و واقعیت و اراده

^{۳۳}- مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، مصطفی دانش پژوه، پژوهشگاه حوزه

و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۹۸

^{۳۴}- مقدمه علم حقوق، ناصر کاتوزیان، چاپ دهم ۱۳۶۸، نشر بهنشر، ص ۱۳، هم چنین ماخذ پیشین ص ۱۰۵-

قانونگذار هستند بدین معنا که نه خواست و اراده قانونگذار و نه صرفاً مطابقت با واقع بلکه ترکیب این دو قاعده ای را مشروع و الزام آور می سازد. مشهور دانشمندان مسلمان و نیز برخی از دیگر پیروان ادیان الهی بر این نظر هستند.^{۲۵} طبیعتاً تحلیل قواعد حقوقی در نظام حقوقی ایران که بر اساس بافت اجتماعی و موازین قانون اساسی، نظامی مبتنی بر ارزشهای دینی و توحیدی است در چارچوب نگاه اخیر تحلیل میشود.

۳- با توجه به اینکه مبانی قواعد حقوقی در اندیشه اسلامی بر خلاف رویکرد سکولار و انسان محور و متکی به عقل خود بنیاد، به اراده الهی از یکسو و واقعیات عینی هم چون طبیعت و فطرت یا واقعیات آرمانی همچون نظم و عدالت از سوی دیگر وابسته است^{۲۶} و به اذن خداوند بشر بر سرنوشت خود حاکم می باشد و خداوند مقدر نموده که بشر بتواند مصالح و مفاسد ذاتی امور را در پرتو هدایت الهی تشخیص

^{۲۵} - حقوق شناسی عمومی، مصطفی دانش پژوه، جلد ۱، ص ۲۸۵-۳۴۲

^{۲۶} - مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، مصطفی دانش پژوه، پژوهشگاه حوزه

و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹

دهد، در شناخت مبانی قواعد حقوقی مربوط به زنان باید این ویژگی‌های تعیین کننده را مد نظر قرار داد سپس مبانی خاص قواعد حقوقی مربوط به زنان در اسلام را شناسائی نمود.

۴- از جمله مبانی اختصاصی قواعد حقوقی مربوط به زنان در اندیشه اسلامی و نظام حقوقی ایران، یکسانی زن و مرد در مرحله پیدایش و خلقت زن و مرد از نفس واحد^{۲۷}، کرامت ذاتی برابر زن و مرد^{۲۸}، رسالت الهی برابر زن و مرد برای رسیدن به کمال انسانی^{۲۹}، حاکمیت عدالت در تنظیم فرصتهای رشد و کمال زن و مرد و قواعد حقوقی گاه متفاوت حاکم بر حقوق زن و مرد^{۳۰} و تکمیل قواعد حقوقی با معیارهای اخلاقی برای بهره مندی هر چه بهتر زن و مرد از

^{۲۷} - سوره نساء آیه ۱ / سوره زمر آیه ۶ / سوره اعراف آیه ۱۸۹

^{۲۸} - سوره اسرا آیه ۷۰

^{۲۹} - سوره حجرات آیه ۱۳

^{۳۰} - فلسفه نظام حقوق زن، محمود حکمت نیا، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۳-۲۷۵

حقوق انسانی و ایفای مسئولیت های مشترک یا اختصاصی
خود میباشد^{۳۱}

۵- در تشخیص مبانی قواعد حقوقی یا معرفی آنها یا روند
شکل گیری هر یک، عوامل و نیروهای متنوعی اثر گذارند.
هر نظام حقوقی از عادات و رسوم اجتماعی و وضعیت
جغرافیائی و اقتصادی و نگرش فرهنگی و حتی خُلقیات و
روحیات فردی و اخلاقی اعضای جامعه خود اثر می پذیرد.
بر همین اساس هیچ قانونگذار یا قاضی در هیچ نقطه جهان
نمی تواند بدون توجه به این عوامل سازنده قواعد حقوقی
قاعده گذاری یا قضاوت درست و منطبق با عدالت و نظم
شایسته جامعه انجام دهد.^{۳۲} قواعد حقوقی مربوط به زنان
نیاز عوامل سازنده یاد شده اعم از دین، اخلاق، فرهنگ،
اقتصاد و اجتماع و سایر متغیرهای مشابه اثر می پذیرند. مثال
اول: وقتی در آمریکا آمارها اعلام داشتند که هینسسال های
۱۹۶۰ تا ۱۹۹۸ تعداد زوج های همزیستد و نازدواج در این کشور

^{۳۱} - سوره تغابن آیه ۱۴ / سوره نساء آیه ۳۴ و ۱۲۸

^{۳۲} - مقدمه علم حقوق، ناصر کاتوزیان، چاپ دهم ۱۳۶۸، نشر بهنشر، ص ۱۷

۱۰ برابر شده است و بیش از یک سوم این خانوارها دارای فرزند هستند یا به عبارت دیگر، یکسو مکودکان در آمریکا از زنان مجرد متولد می‌شوند و در صد چنین تولدهایی در دهه‌ی نود در سراسر آمریکا افزایش یافته است.^{۳۳} به طور شفاف می‌توان حرکت قانونگذاران این کشور در سالهای پس از ۲۰۰۰ میلادی به سمت پاسخ دهی به این تحولات رفتاری و نوعی همراهی با این انحرافات اخلاقی را تحلیل و تفسیر کرد.

مثال دوم: مجلس شورای اسلامی در ماه ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ مقرر داشت: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملات/ توانائیزوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به نرخ روز

^{۳۳} - گاردنر، ویلیام، جنگ‌لیه‌خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵.

کماکان الزامی است.» با توجه به اینکه در عمل کیفر حبس تبعات زیادی برای فرد ناتوان از پرداخت مهریه، اطرافیان او و جامعه ایجاد کرد و سالها این موضوع مورد تذکر کارشناسان قرار گرفته بود^{۳۴} این ماده ضمن حبس‌زدایی از ناتوانی پرداخت مهریه‌های بالا، پرداخت مهریه تا صد و ده سکه را تضمین می‌کند و این پیام را منتقل می‌سازد که قرار دادن مهریه‌های بالا به امید استفاده از اهرم زندان در صورت عدم ادای مهریه، دیگر بیهوده خواهد بود.^{۳۵}

گفتار دوم (منابع حقوقی اثرگذار در ارتقای وضعیت زنان

قواعد حقوقی بر هر مبنای نظری و عناصر سازنده ای که شکل گرفته باشند، بالاخره در قالب معینی شناسائی میشوند. منابع حقوق، چارچوب ها یا قالبهای شناخت قواعد حقوقی هستند. در هر نظام

^{۳۴} - جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، محمد آشوری، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲، صص ۵۳-۴۹.

^{۳۵} - مثالهای متعدد دیگر مرتبط با قواعد حقوق زنان به روایت تجربیات عملی تاریخ نظام حقوقی ایران را می‌توان در کتب زیر مطالعه کرد:

مبای علم حقوق، دکتر محمود حیدریان، نشر مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی، ۱۳۴۹، صص ۸۶-۱۲۳

حقوقی روند حاکمیت قانون بدون مراجعه به منابع حقوق و رعایت جایگاه هر یک در سلسله مراتب اعتباری، معنا پیدا نمی‌کند. منابع حقوق البته با مبانی حقوق که در گفتار اول مورد بحث قرار گرفتند، پیوند دارند. هر مکتب حقوقی متناسب با مبانی مورد قبول خود منابع حقوق را تعیین و سلسله مراتب آنها را تبیین و آنها را به اصلی و فرعی تقسیم می‌کند. مثلاً یک مکتب فکری قانون ساخته نهادهای حاکمیتی و مکتب دیگر عرف و مکاتب دینی متون الهی را منبع حقوق یا حتی اصلی‌ترین منبع حقوق میدانند.^{۳۶}

منابع حقوق در ایران را به دو شکل می‌توان معرفی کرد:

الف) گاه بر اساس اندیشه اسلامی صرف و فارغ از نظام حقوقی مستقر این معرفی صورت می‌گیرد که در این معرفی بین دیدگاه علمای شیعه و سنی تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در دیدگاه شیعی منابع عبارتند از: منابع اصلی (قرآن-سنت-عقل) منابع فرعی (اجماع-شهرت-سیره یا همان عرف و عادات).

^{۳۶}- مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، مصطفی دانش پژوه، پژوهشگاه حوزه

و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰

ب) گاه بر اساس نظام مستقر حقوقی ایران منابع رسمی قواعد حقوقی معرفی میشوند که عبارتند از: قانون (قانون اساسی، قوانین عادی یا مصوب مجلس شورای اسلامی، مقررات مصوب قوای مجریه، قضائیه و نهادهای خاص)، شریعت به مثابه منبع رسمی و تکمیلی قوانین مصوب، عرف، رویه قضائی، نظرات علمای حقوق و نهایتاً اصول کلی حقوقی.^{۳۷}

نیاز به یادآوری ندارد که در هر یک از منابع یاد شده قواعد مختلفی را در حیطه حقوق زنان می توان یافت.

برخی از پژوهشگران حوزه زنان برای شناسائی منابع نظام حقوق زن در اسلام سه حوزه را از هم تفکیک میکنند:

الف) منابع احکام و حقوق ماهوی؛ در این موارد دستیابی به اراده شارع مهم ترین هدف است و بر همین اساس منابع شرعی به ویژه کتاب یا سنت مورد اتفاق نظر همه گرایشهای اسلامی است.

^{۳۷} - مقدمه علم حقوق، محمد جعفر جعفری لنگرودی، گنج دانش، ۱۳۶۲، ص ۴۱-۶۵ / حقوق

ای بر دانش حقوق، نشر نخست، ۱۳۷۱، ص ۳۲۹-۳۵۰ / مقدمه علم حقوق، ناصر

کاتوزیان، نشر بهنشر، ۱۳۶۸، ص ۷۴-۱۲۹

ب) منابع احکام وقواعد اجرائی؛ در این حوزه چون شارع مقدس بیشتر به روش خردمندان اکتفا کرده است نتیجه گرفته می شود که منبع قواعد سیره خردمندان است.

ج) منابع راهبردی و سیاستها؛ راهبردها و سیاستها راهکارهای اساسی هستند که در راستای تامین اهداف، برخی تغییرات اساسی محتوایی و ساختاری در تعامل با محیط پیرامونی را موجب میشوند. در این حوزه نیز عقل و روش خردمندان منبع است.^{۳۸}

۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان میثاق ملی بین حکومت و ملت و مهم ترین قانون موضوعه کشورمان و سندی که مورد تائید بزرگترین علمای دینی وقت از جمله بنیانگذار انقلاب اسلامی (ره) نیز قرار گرفته است طی اصل دوم، مبانی نظام حقوقی ایران را بیان کرده که عمدتاً اعتقادی است اما در همین اصل در بند ششم به مبنای مهم دیگری نیز به شرح زیر تاکید صورت گرفته است:

«کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس

^{۳۸} - فلسفه نظام حقوق زن، محمود حکمت نیا، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۱ -

کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین، ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، ج - نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.»

در اصل چهارم قانون اساسی تاکید شده که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

در اصل سوم قانون اساسی نیز که وظائف کلان همه نهادهای حاکمیتی در قبال مردم بیان شده است طی چند بند بر نکاتی تاکید شده که در بحث این گفتار حائز اهمیت است:

- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (بند ششم)

- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (بند هفتم)

- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی خویش (بند هشتم)

- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در

تمام زمینه های مادی و معنوی (بند نهم)

-تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (بند چهاردهم) در فصل حقوق ملت در قانون اساسی (اصول ۱۹ الی ۴۲) نیز نکات مهمی بیان شده از جمله منع تبعیض در برابر قانون و منع تبعیض در بهره مندی از حمایت قانونی که در فهم مبانی و منابع حقوقی مربوط به زنان حائز اهمیت ویژه می باشند. به عبارت دیگر نمی توان فهمی از مبانی و منابع حقوقی را ارائه و در جامعه ایران مورد توصیه قرار داد که نافی کرامت انسانی یا نافی عدالت حقوقی و سایر معیارهائی باشد که در صدد است زمینه رشد و تعالی انسانی زن و مرد را فراهم سازد.

خلاصه مباحث:

مبانی و منابع حقوقی را باید به خوبی شناسائی کنیم تا بتوانیم فرایند شکل گیری و تحول قواعد حقوقی در همه زمینه ها از جمله حوزه زنان و بهبود وضعیت آنها را رصد کرده و نقش آفرینی مثبت از خود نشان دهیم و از همه ظرفیت ها بهره مند شویم تا موجبات تحول و تغییر قواعد حقوقی که بر خلاف اصول کرامت انسانی، عدالت،

اخلاق و معنویت و رشد و تعالی و همبستگی انسانی است را فراهم آوریم.

مکاتب فکری متنوعی در مورد مبانی قواعد حقوقی در سطح جهانی وجود دارد و بر اساس همین تفاوتها نظام های حقوقی جداگانه ای را می توان از یکدیگر تمیز داد. سلسله مراتب منابع حقوقی در نظام های حقوقی مختلف با هم تفاوتهایی دارند. اندیشه اسلامی مکتب فکری خاصی در حیطه مبانی و منابع قواعد حقوقی دارد که در نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران نیز تجلی یافته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی معیارها و شاخصهای مهمی را فراروی روند فهم مبانی و منابع حقوقی و روند تحولات قواعد حقوقی قرار داده است که همواره می تواند راهنمای حرکت فعالان زنان برای تامین وضعیت بهتر قرار گیرد.

پیشنهاد موضوع گفتگو:

- مصادیق مختلف وضعیت جامعه ملی یا محلی خود در زمینه های مختلف وضعیت زنان را که حاکی از تحولات اجتماعی مهم در نیروها و عوامل سازنده قواعد حقوقی هستند را مورد بحث قرار داده و با قواعد

حقوقی موجود و لازم الاجرا در کشور تطبیق دهید تا معلوم شود که برای رسیدن به اهداف مطلوب آیا باید قواعد تغییر یابند یا برای تحولات اجتماعی نگران کننده باید چاره اندیشی کرد.

- در فهم مبانی و منابع حقوقی مربوط به حوزه زنان چه قرائت هائی در کشور وجود دارد؟ چه دیدگاههای را می توان برشمرد که فهم خود را مبتنی بر مبانی و منابع اسلامی می دانند اما در ارائه جزئیات حقوق زنان و پیشنهادات و راهکارهای عملی ذریبط با یکدیگر تفاوتهای جدی پیدا میکنند؟

- چقدر در تحلیل مبانی و منابع حقوقی خود راهنماهای قانون اساسی را ملاک حرکت قرار میدهیم تا مجموعه قواعد حقوقی یا تفسیر و اجرای آنها در حیطه زنان به ارتقای همه جانبه وضعیت و عدالت جنسیتی منتهی شود؟

- در میان منابع حقوقی ایران اعم از قوانین، عرف، رویه قضائی و... بیشترین چالشها در حیطه زنان به کدام منابع مربوط میشود؟ مثالهای مختلف مورد بحث قرار گیرد.

معرفی منابع دیگری برای مطالعه بیشتر:

- ۱- تاریخ حقوق ایران، سید حسن امین، دایره المعارف ایران شناسی، ۱۳۸۳
- ۲- تاریخ حقوق ایران از انقراض ساسانیان تا آغاز مشروطه، تهران، معرفت، بی تاریخ
- ۳- مصطفی دانش پژوه، حقوق شناسی عمومی، دو جلد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹
- ۴- نظام های بزرگ حقوقی معاصر، رنه داوید، ترجمه سید حسین صفائی و دیگران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴
- ۵- کلیات حقوق، رضا علومی، موسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۸
- ۶- مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، عبدالرضا علیزاده، نشر سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷

۷- تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، جان کلی، ترجمه

محمد راسخ، نشر طرح نو، ۱۳۸۲

۸- کلیات مقدماتی حقوق، مهدی کینیا، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸

۹- کلیات و مقدمه علم حقوق، ایرج گلدوزیان، نشر

مجد، ۱۳۸۶

۱۰- مبانی و کلیات علم حقوق، سید جلال الدین مدنی، نشر

همراه، ۱۳۷۰

درس سوم: مروری بر رویکردهای فکری مختلف مربوط به حقوق زنان و عدالت جنسیتی در ایران

از فراگیر انتظار می رود در این درس:

۶- به صورت اجمالی با رویکردهای فکری مربوط به حقوق زنان و عدالت جنسیتی در ایران آشنا شود.

۷- تصویری از عرصه های مختلف حقوق زنان و محورهای موضوعی مورد پیگیری در مطالعات عدالت جنسیتی به دست آورد.

۸- حساسیت های او برای ایفای نقش موثر در روند ارتقای حقوق زن و عدالت جنسیتی با رعایت مبانی فکری و فرهنگی و اعتقادی جامعه ایران تقویت شود.

۹- متناسب با شهر یا روستا و منطقه محل زندگی خود بتواند داوری علمی و مستند ارائه دهد که در جهت توانمندسازی حقوقی زنان کدام محورهای حقوق زن و عدالت جنسیتی را باید اولویت داد

مقدمه:

پس از شکل گیری سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ میلادی، مباحث مربوط به حقوق زنان در سطح جهانی طی روندی تدریجی و پرشتاب اهمیت روز افزونی یافته است آن گونه که طی این مدت اسناد بین المللی مختلف با تمرکز بر حقوق زنان تصویب شده، سازوکارهای خاص برای پیگیری وضعیت زنان ایجاد گردیده، کنفرانس های جهانی متمرکز بر موضوع زنان برگزار شده و هر یک سندهایی متضمن برخی تعهدات مشخص برای دولتها را به جامعه جهانی معرفی کرده اند. در این روند، مطالعات علمی مربوط به زنان اعم از مطالعات فمینیستی، حقوق زنان، مطالعات مربوط به نفی تبعیض و برابری جنسیتی در مراکز علمی کشورهای مختلف رشد همه جانبه پیدا کرده، فعالان مدنی متمرکز بر ارتقای وضعیت زنان توسعه چشمگیری در سراسر جهان داشته اند. همه این تحولات در بستر دنیای به هم پیوسته و روند جهانی شدن و تحولات فناوریهایی نوین ارتباطات و اطلاعات، شرایطی فراهم آورده که در سطوح ملی کشورها علیرغم تنوع فرهنگ و نظام های ارزشی، شاهد نوعی مشابهت و فعالیت های

همانند در موضوع زنان باشیم. در مقابل این فرایند غالب، نگرانیها مقاومتها و مطالبات خاص فرهنگی و اعتقادی و حقوقی نیز ظهور و بروز یافته است. جامعه ایران پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ یکی از جوامعی بوده که در این حیطه دغدغه های ویژه خود را مطرح نموده و هم چنان در این زمینه تکاپوی زیادی را معمول می دارد. بررسی اینکه جامعه ایران تا چه اندازه برای تحکیم مبانی و مدل مورد نظر خود در زمینه حقوق زن موفقیت داشته یا با ناکامی مواجه شده است، بحث بسیار مهم و قابل تاملی است که طرح آن خارج از مجال کنونی است اما اینکه در سطح ملی چه رویکردهای فکری را در حیطه حقوق زنان و عدالت جنسیتی تجربه کرده ایم موضوعی است که در فرصت حاضر میتوان بدان پرداخت.

در این درس برخی از مهم ترین رویکردهای فکری موجود در جامعه ایران در مورد حقوق زنان و عدالت جنسیتی و تصویری که هر یک از این رویکردها از عرصه های مختلف حقوق زن ارائه میکنند، مطرح میشود و برخی نکات در مورد اینکه چرا همگرایی و اجماع نظر در حیطه حقوق زن با چالشهایی مواجه است ارائه خواهد شد.

گفتار اول) آشنائی با رویکرد فکری همگرا با متون واسناد فراملی برای ارتقای وضعیت زنان

۱- نظر به اینکه در سطح جهانی تجربه جنبش های فکری واجتماعی زنان دوره نسبتا طولانی قریب به دو قرن را پشت سر گذاشته وفعالان جنبش مزبور طی چند دهه اخیر در قالب نظریه های فمنیستی دگرگونی های متنوع اجتماعی سیاسی و حقوقی را پیگیری میکنند و آثار مکتوب مربوط به جنبش های اجتماعی زنان ومطالعات نظری ذیربط در سراسر جهان توزیع وترویج میشود، برای بسیاری از فعالان اجتماعی کشورهای در حال توسعه ومراکز فکری آنها جذابیت لازم را ایجاد کرده اند تا بدان دل بستگی پیدا کرده و همگرا با مجموعه فکری وتجربی مزبور که عمدتا در مغرب زمین جریان داشته و دارد، تلاشهای مربوط به ارتقای وضعیت زنان را سامان دهند^{۳۹}). طیف قابل توجهی از روشنفکران وفعالان مدنی سکولار وحتى افراد مذهبی

^{۳۹}- برای ملاحظه جریان تحركات دو قرن گذشته فعالان ذیربط ببینید: از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمنیسم، حمیرا مشیرزاده، نشر شیرازه، چاپ چهارم ۱۳۸۸

باورمند به جدائی نهاد دین از حکومت در عرصه مدیریت کشور، در چند دهه اخیر تجربه مدنی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران همواره از دیدگاههایی برای ارتقای وضعیت زنان دفاع کرده اند که با روندهای جهانی هماهنگ بوده است. در میان طیف مزبور، حقوقدانان و کارشناسان حقوقی نیز می توان یافت که به جای مراجعه به متون روشنفکری فلسفی، اندیشه سیاسی، فمینیستی، جامعه شناختی یا روانشناختی مدافع رویکرد سکولار، عمدتاً به اسناد حقوقی بین المللی مصوب بخش های مختلف سازمان ملل یا کنفرانسهای جهانی رجوع کرده و آنها را ملاک هر گونه اقدام مناسب برای بهبود وضعیت زنان در داخل کشور ارزیابی نموده اند^(۴۰).

۲- از جمله ویژگیهای طیف فکری و مدنی مورد بحث این است که معتقدند فهم مشترک همه ملتها در مورد منع تبعیض همان است که در متون و اسناد بین المللی محقق

^{۴۰} - به عنوان نمونه برخی آثار حقوقدانان ذیربط ببینید: رفع تبعیض از زنان، مهر انگیز کار، نشر قطره، ۱۳۷۸، حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، شیرین عبادی، گنج دانش، ۱۳۸۵

شده است. هم چنین راهکارهای بین المللی برای ارتقای وضعیت زنان حاصل همفکری و تجربه جهانی است فلذا از توجیه و مبانی استدلالی قوی برخوردار بوده بنابر این منطقی است که از آنها حمایت کنیم^(۴۱).

۳- قائلین طیف فکری و مدنی مورد بحث وقتی قرار است نظام حقوق زنان و عدالت جنسیتی مورد قبول خود را بیان کنند عمدتاً بر مبنای متون فراملی رایج در اندیشه لیبرال اقدام می کنند بدین معنا که مبانی فلسفی توجیه حق ها همان است که در سطح جهانی ارائه شده، لیست حق ها نیز همانهاست که در اسناد جهانی مانند کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان درج شده است و در تفسیر محدودیت های حقها و آزادیها نیز تحلیل رایج در اندیشه لیبرال بهتر از بقیه دیدگاهها تلقی میشود. در آثار منتشره قائلین طیف فکری مورد بحث اغلب بر مبنای دیدگاههای رایج در اندیشه لیبرال نقدهای جدی متوجه مبانی انسان شناسی و قواعد

^{۴۱} - نمونه این تاکید در: فصل مشترک تبعیض ها، بررسی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، سمیه رواسیان

کاشی، نشر شیراز، ۱۳۸۸

حقوقی و فقهی مربوط به زنان در ایران یا دیگر کشورهای اسلامی نیز وارد شده و بسیاری از موارد ناهماهنگ با معیارهای فراملی، بر خلاف حقوق زن یا خانواده محسوب شده است^(۴۲).

۴- لیست حق ها و آزادیهای زنان در نگرش مورد بحث مانند توصیفی که در سطح مجامع جهانی ارائه میشود منوط است به:

- پایه قرارداد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی .
- پذیرش وابستگی صلح و امنیت و رفاه ملی و بین المللی به رعایت تساوی زن و مرد
- تاکید بر ضرورت تغییر نقشهای سنتی زن و مرد در جوامع مختلف با هدف دستیابی به تساوی کامل زن و مرد^(۴۳)

^{۴۲} - به عنوان نمونه ببینید: ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران، مهر انگیز کار، نش روشنگران، ۱۳۷۸

^{۴۳} - این نگاه در مقدمه کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ میلادی/۱۳۵۸ شمسی نیز منعکس شده است.

- قائل شدن به تعریف تبعیض بنا به آنچه در ماده یک کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب سازمان ملل منعکس شده است^(۴۴).

- تقسیم حقوق زنان به حقوق سیاسی ومدنی، حقوق اقتصادی واجتماعی وفرهنگی ونقش آفرینی حقوقی زنان در قبال مصادیق حقوق همبستگی یا نسل سوم حقوق بشر. در هر یک از مصادیق حق های ذیربط از جمله حق مشارکت در اداره امور عمومی، حق کار واشتغال، حقوق آموزشی، حق بر ازدواج و حقوق در خانواده، حقوق بهداشتی ودرمانی، حقوق اقتصادی، حقوق قضائی و.. اغلب همان دیدگاههای مذکور در کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان ملل متحد وتفسیر رایج در مرجع نظارتی آن ودیگر نهادهای بین المللی وتفسیر مبتنی بر اندیشه لیبرال ملاک قرار میگیردمثلا

^{۴۴}- ماده یک کنوانسیون مذکور اعلام میدارد: عبارت «تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی بر اساس تساوی میان زنان و مرداندر زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان باشد، اطلاق می گردد.

اینکه جرم انگاری باید بر اساس چه معیارهایی باشد و چه مجازاتهایی در مورد مجرمان اعم از زن یا مرد خوب است اجرا شود و چه مجازاتهایی را باید متوقف کرده و از قوانین حذف نمود دقیقا همان دیدگاه رایج در کشورهای مغرب زمین مطلوب محسوب میشود.

- در نگرش مورد بحث مانند بحث های مطرح در سطح مجامع بین المللی بر ضرورت اقدام جبرانی یا تبعیض مثبت یا حمایت های ویژه^(۴۵) برای رفع عقب ماندگی یا آسیب پذیری زنان نیز تاکید میشود.

گفتار دوم) آشنائی با رویکرد فکری معتقد به مبانی بومی و مخالف با دیدگاههای بین المللی برای ارتقای وضعیت زنان

۵- مبانی بومی در کشور ما در یک نگاه ساده و کلی اعم است از مبانی دینی، ایرانی یا سنت های اجتماعی و فرهنگی ویژه کشورمان و قواعد حقوقی ذیربط. بر همین اساس در میان قائلین به نگرش فوق ممکن است افرادی را یافت که عمدتا

^{۴۵} -Affirmative Action/Positive Discrimination

تاکید بر مبانی ایرانی صرف دارند یا افرادی که عمدتاً بر مبانی دینی و مذهبی و افرادی که هر دو جنبه ایرانی و اسلامی را در نظر دارند و معتقدند که با وجود مبانی بومی نیازی به بهره‌گیری از مکتب‌های فکری دیگر نه تنها در زمینه زنان بلکه در همه ابعاد حقوق انسانی وجود ندارد. بر اساس این نگرش چون بنیان‌های انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و نوع‌نگرش به حق و تکلیف و هدف از خلقت او و رسالت‌های انسان در این جهان عمدتاً بر اساس نگرش بومی تفاوت اساسی با اندیشه لیبرال و دیگر مکاتب الحادی و دیدگاه‌های گسیخته از مبدا و معاد دارد نمی‌توان نظام حقوق زن را بر اساس دیدگاه‌های متضاد با این مبانی بومی شکل داد^(۴۶). قائلین به دیدگاه اخیر را در میان علمای دینی، بسیاری از قانونگذاران و سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران امور قضائی و فعالان سیاسی و اجتماعی و کارشناسان علمی میتوان یافت. قائلین به این دیدگاه بعضاً

^{۴۶} - زن در آئینه جمال و جلال، عبدالله جوادی آملی، نشر اسرا، ۱۳۹۱، ص ۵۰ / فلسفه نظام حقوق زن، محمود حکمت‌نیا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۶۹. هم چنین نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، نشر صدرا، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰

تلاش داشته تا اسناد حقوقی معینی را نیز در حیطه حقوق زن تدوین کرده و به جامعه ارائه نمایند چنانچه منشور حقوق و مسئولیت های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در مرداد ۱۳۸۳ با ۱۴۸ بند که بعداً در مجلس شورای اسلامی با تغییر فقط یک کلمه به عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی در اواخر سال ۱۳۸۵ تصویب شد، نمونه برجسته ای از تلاش این رویکرد فکری است^(۴۷) کتب متعددی مبتنی بر این دیدگاه نوشته شده و در دسترس است^(۴۸). همایشهای مختلفی نیز با همین نگاه در کشور برگزار شده و محصولات آن در قالب کتاب به جامعه عرضه گردیده و مراکز علمی خاصی نیز با همین

^{۴۷} - در قانون مصوب مجلس تصریح شده که کلیه قوانین و مقررات و معاهدات مغایر با منشور یاد شده ملغی و فاقد اعتبار است. چنین مقرره ای در مورد معاهدات فراملی از منظر حقوق بین الملل جای تامل بسیار دارد.

^{۴۸} - صدها کتاب و مقاله را می توان لیست کرد که در جمهوری اسلامی از این منظر فکری تالیف شده است.

نگاه متمرکز بر مطالعات زنان هستند^(۴۹). در سالهای گذشته رشته مطالعات زنان در مراکز آموزش عالی نیز بنا به تذکر همین رویکرد فکری لازم دانسته شد که مور دبازنگری واقع وجنبه های اسلامی در عناوین دروس مربوطه و متون آموزشی تقویت شود.

۶- این طیف فکری هم نقدهای متعدد نظری یا عملی بر اندیشه لیبرال و سایر مکاتب الحادی و اسناد بین المللی در زمینه حقوق زن و خانواده وارد میسازند و هم تلاشهای متنوعی را معمول داشته و می دارند تا سایر کشورهای اسلامی نیز با این نگرش همراه شود و به عنوان صیانت از فرهنگ اسلامی تدابیر مقتضی را معمول دارد. برخی از تلاشهای ویژه از سوی این نگرش در قالب سازمان همکاری اسلامی و نهادهای تابعه آن پیگیری شده است^(۵۰).

^{۴۹} - به عنوان نمونه مراکز تحقیقاتی متمرکز بر موضوع رجوع کنید به: مرکز تحقیقات و مطالعات زن و خانواده از سری مراکز تابعه مدیریت حوزه علمیه خواهران در کشور. آدرس سامانه اینترنتی <http://wrc.ir> هم چنین دانشنامه زن مسلمان به آدرس اینترنتی: <http://muslimapedia.com>

^{۵۰} - در نشست های بخش زنان و خانواده سازمان همکاری اسلامی پیشنهادات ذریبط مکرر ارائه شده است. منشور حقوق و مسئولیت های زنان نیز در نهاد یاد شده به همه کشورها ارائه شده است.

۷- نگرش مورد بحث، در کشور ما بر خلاف بسیاری از دیگر کشورهای اسلامی تفسیر مثبتی از کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان ندارد و معتقد است که با این سند نمی توان تعامل منطقی حقوقی برقرار کرد فلذا ضمن اعلام هشدارهای مختلف به مراجع رسمی، روندهائی که در گذشته برای الحاق ایران به این سند انجام شد را معلق ساخت^(۵۱).

۸- لیست حق ها و آزادی های زنان در نگرش مورد بحث از ویژگیهای زیر برخوردار است:

- پایه قرار دادن قرآن و سنت پیامبر و سایر اولیای الهی
در تبیین حقوق و آزادی های زنان در عین بهره مندی
از سایر منابع مورد تأیید دین از جمله عقل بشری.

^{۵۱}- کتب متعددی از سوی این رویکرد فکری در نقد کنوانسیون کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تالیف و منتشر شده است. به عنوان نمونه ببینید: نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، فریبا علاموند، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۲. در سالهای گذشته از اوائل دهه هفتاد شمسی الحاق یا عدم الحاق ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان در نهادهای مختلف از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی، دولت، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت مطرح شده اما عمدتاً به جهت نظرات مخالف رویکرد مورد بحث و حواشی متعدد سیاسی اجتماعی که پیدا کرده، به نتیجه ای نرسیده و مسکوت باقی مانده است.

- تاکید بر اینکه زن و مرد در عین اشتراک در خلقت انسانی و رسالت مشترک انسانی، مسئولیت های جداگانه ای نیز دارند و رشد واقعی جامعه در گرو انجام این مسئولیتها و مکمل بودن زن و مرد نسبت به هم و رعایت تفاوتها و حریم های مربوطه است و این تفاوتها در حقوق و مسئولیتها نشانه برتری یک جنس بر جنس دیگر نیست. در این نگرش تبعیض و تمایز در برخی زمینه ها، لزوماً منفی محسوب نمیشود مگر اینکه تبعیض ناروا بوده که با عدالت سازگار نباشد و بر خلاف حکمت دانسته شود^(۵۲).

- در این رویکرد فکری، تقسیم بندی کلی حقوق فردی، حقوق خانوادگی و حقوق اجتماعی شامل ابعاد مختلف حقوق بهداشتی

و درمانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضائی پذیرفته است و ذیل ر مورد مصادیق متعدد حقها را می پذیرند.

^{۵۲}- فلسفه نظام حقوق زن، محمود حکمت نیا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۷-۲۵۶ هم چنین نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۲۱ به بعد

در تبیین حق ها، مسئولیت های زن نیز بیان میشود و از
عناوین حقهائی سخن به میان میاید که با این شکل در
اسناد بین المللی مطرح نیست. توصیه های اخلاقی نیز
در نظام حقوقی ذیربط مکرر مطرح میشود(۵۳).

- در این رویکرد فکری، حمایت ویژه یا اقدام جبرانی از
زنان مانند موازین بین المللی تجویز میشود اما بیشترین
حمایتها در جهت تقویت نقش مادری زن و تحکیم
خانواده یا در وضعیت های آسیب پذیر بودن اجتماعی
است(۵۴) و البته در ابعاد فردی نیز نسبت به مردان در
موارد مختلف معافیت ها یا رخصت هائی در قبال
مسئولیت های شرعی و حقوقی دارند(۵۵).

^{۵۳} - ببینید حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن، محمود حکمت نیا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
اسلامی، ۱۳۹۰ هم چنین ماخذ قبلی ص ۳۸۷-۴۰۶ رابطه نظام حقوق زن در اسلام با نظام اخلاقی را شرح
داده است.

^{۵۴} - در سیاست های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد زن و خانواده موارد مختلفی از این
رویکرد را می توان ملاحظه کرد.

^{۵۵} - برخی محققان ایرانی پژوهش های مفصلی در مورد مصادیق معافیت ها یا رخصت های شرعی زنان به
نسبت وظایف شرعی و حقوقی مردان و پیامدهای آن بر حقوق زن و خانواده به عمل آورده اند مثلا رساله
مقطع دکترا با عنوان تبع رخص شرعی و کاربرد آن بر حقوق خانواده در رشته مطالعات زنان دانشگاه
ترتیب مدرس، آبان ۹۳ اثر زهره کاظمی از این قبیل پژوهشهاست.

گفتار سوم) آشنائی با رویکرد فکری بینابین برای ارتقای وضعیت زنان

۹- فارغ از تحولات دیگر کشورهای اسلامی ، در تجربه سی و چند ساله جمهوری اسلامی دیدگاه بینابینی نیز شکل گرفته است که از یکسو بر مبانی دینی و فرهنگی ملی و حتی خرده فرهنگ های منطقه ای تاکید دارد و از سوی دیگر اعلام میدارد که باید از دستاوردها و تجربیات مثبت جهانی در زمینه های مختلف از جمله حقوق زن بهره مند شد و جدای از اختلاف نظرهایی که با فرهنگهای دیگر وجود دارد، در اشتراکات میتوان همگرایی لازم جهانی را به عمل آورد. این دیدگاه برخی از نظرات رویکرد های قبلی را می پذیرد اما نقد و نظرهایی را نیز متوجه هر دو طیف قبلی میسازد. طرح مباحث درون دینی برای تحول در اجتهاد فقهی و تغییر برخی قواعد حقوقی مربوط به وضعیت زنان از یکسو و جستجو برای

یافتن راهکارهای تعامل با موازین بین المللی با ارائه برخی تحفظ ها و شروط و تاکید بر ضرورت اجرای دقیق تعهداتی که بر اساس پیمان های بین المللی پذیرفته شده از جمله مولفه های مهم شناخت این رویکرد فکری است.

۱۰- در میان قائلین به این رویکرد برخی افراد بیشتر تمرکز و دانش لازم بر مطالعات درون دینی برای ارائه راهکارهای جدید دارند و برخی بیشتر متمرکز بر فهم و تفسیر موازین بین المللی حقوق زن هستند با این نگاه که جنبه های مثبت آنها را شناسایی و به جامعه ملی معرفی کنند یا روشهای اثرگذاری بر روند هنجارسازی جهانی را پیشنهاد کنند. فلذا افراد کمی را می توان یافت که هم مسلط بر مبانی دینی و بومی باشند و هم موازین بین المللی و بحث های تخصصی ذریبط را به دقت مطالعه کرده و بر جزئیات آنها وقوف داشته باشند و آنگاه در خصوص نظام حقوق زن پیشنهادات خود را مطرح کنند.

۱۱-قائلین به این رویکرد ضمن تاکید بر دیدگاههای متفاوت بین اندیشه دینی و توحیدی با اندیشه های سکولار در حوزه مبانی انسان شناسی و هستی شناسی و مبانی حق و تکلیف ، این تفاوتها را مانعی بر این نمی بینند که در حوزه حقوق و قواعد اجتماعی نتوان به لیست های مشترک جهانی رسید بلکه مناسب تر دانسته میشود که برای بهبود وضعیت جامعه بشری این لیست های مشترک تقویت گردد و به جای تلاش فراملی برای تدوین سند های متضاد با هم در مورد حقوق زن یا سایر حقوق انسانی بر اساس فرهنگ های مختلف، مشارکت همه فرهنگها از جمله اندیشه اسلامی در فرایند تدوین اسناد بین المللی و طرح دیدگاههای خود برای یافتن راهکارهای مشترک در جهت بهبود وضعیت عملی زنان و مردان پیگیری شود.

۱۲-طبیعتا در این رویکرد فکری الحاق به کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زن با بیان ملاحظات خاص

اندیشه اسلامی امری مثبت تلقی میشود و عدم حضور موثر در روندهای هنجار سازی و نظارت بر اجرای این سند در سطح بین المللی به ضرر جوامع اسلامی تلقی میشود چرا که دیگر فرهنگها به ویژه اندیشه لیبرال دیدگاههای خود را در نبود رقیب جدی نظری و اثرگذار تبدیل به قواعد حقوقی بین المللی میکنند و آنگاه کشورهای مختلف را در موقعیتی قرار می دهند که ناچار باشند موضع خود را در قبال موازین حقوقی بین المللی روشن سازند که هر وجه آنرا انتخاب کنند بدون انواع هزینه ها نیست^(۵۶).

^{۵۶}- به عنوان نمونه آثار علمی قائلین به رویکرد مذکور ببینید: بازپژوهشی حقوق زن، دوجلد، ناصر قربان نیا و همکاران، انتشارات روز نو، ۱۳۸۴ هم چنین مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی، حسین مهرپور، نشر اطلاعات، ۱۳۷۹. یادآوری مینماید که اکثر افرادی که با عنوان نواندیش دینی، روشنفکر دینی، فمینیست اسلامی، مذهبی، اصلاح طلب دینی یا سیاسی اجتماعی اصول گرای واقع بین و نو اندیش و عناوینی از این قبیل خود را معرفی میکنند و قائل به جدائی دین و حکومت در مدیریت جامعه و قانونگذاری نیستند با تفاوتهای فکری متنوعی که دارند ذیل همین رویکرد بینابین قرار میگیرند چرا که از یکسو دغدغه سنت و حفظ و پالایش آنرا دارند و از سوی دیگر نمی خواهند از دستاوردهای تجدد در حیطه زنان فاصله بگیرند و عقب بمانند. یکی از نویسندگان ضمن بیان این نقد که مونث گرایی را ممکن است وصله ناچسب به اندیشه اسلامی معرفی کنند، در توصیف واقعیت موجود در جامعه، فمینیست های مذهبی در ایران را به سه دسته رادیکال، میانه رو و محافظه کار تقسیم کرده است. بنا

خلاصه مباحث:

روند اندیشه ورزی جامعه ایران برای رسیدن به آرمانهای بلند انسانی از جمله در زمینه حقوق زنان فراز و فرودهای مختلفی را از نهضت مشروطه تاکنون طی کرده است. در جریان مبارزات انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی با مدیریت رهبر بزرگ انقلاب، زنان نقش موثری را ایفا کردند و بر همین اساس انتظار این بود که پس از استقرار نظام جدید مبتنی بر موازین اسلامی، تحولات مهمی در حیطه حقوق زن در کشور ما به وقوع بپیوندد. اگرچه تعهدات دولت و جامعه در قبال زنان در مقدمه قانون اساسی و در برخی اصول از جمله اصل سوم و بیست و یکم ذکر شد اما این کلیات کفایت نکرد و لازم شد در جزئیات مختلف، تدابیر لازم قانونی و اجرایی

به توصیف وی از این سه دسته ما باید تاکید کنیم که در واقع طیف دوم و سوم در گروه فکری بینابین قرار میگیرند. ببینید: نهضت فمینیسم، آفتها، آسیها و چالشهای پیش رو، محمود قیوم زاده، در کتاب مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها، بدون تاریخ نشر، ص ۶۲-۶۳

وقضائی اتخاذ شود. در فرایند مواجهه با مساله های جدید و تحولات نوپدید ملی و جهانی و یافتن تدابیر مناسب در هر مورد، دیدگاههای متنوع بروز یافت که جملگی دغدغه بهبود امور زنان را داشته اما هر یک از زاویه ای و مبتنی بر نگرشی، توصیف خود از وضعیت زنان و تحلیل و تجویز خود برای رسیدن به وضعیت بهتر را ارائه کرده و میکنند.گفتمان های موجود در کشور از تنوع زیادی برخوردار است اما اگر قرار باشد آنها را در طیف بندیهای بزرگی تقسیم کنیم سه رویکرد فکری را می توان از هم تفکیک کرد که هر یک نسبت خاصی با موازین دینی و نوع تعامل با قواعد حقوقی بین المللی دارند. گفتمان های موجود گاه در اثر برداشت های متنوع از یک اصطلاح یا عنوان حقوقی مورد کاربرد در حیطه زنان یا یک رویداد خاص و گاه به جهت ورود درکنشگری های سیاسی اجتماعی و حواشی آن و گاه به جهت پیشنهادات و تجویزاتی که ارائه

نمایند ، اختلافات جدی نیز با هم پیدا میکنند
و همین امر باعث میشود که به جای هم افزائی برای
ارتقای شاخصهای مختلف وضعیت زنان، در
مواردی همدیگر را خنثی نمایند یا به کلی بحثهای
حوزه حقوق زنان را وارد فضاهاى احساسی و
هیجانی و واکنشهای غیر عالمانه نمایند.

بدون هر گونه داوری و ارزش گذاری درمورد
دیدگاههای مختلف که بحث آن نیازمند مجال
مفصلی است و خارج از مروراجمالی حاضر می
باشد^{۵۷})، به نظر میرسد اگر همه مقید به این باشند
که بنا به توصیه قرآن کریم تکثر آرا و نظرات را
نعمتی برای جامعه بشری و وسیله پویائی زیست
انسانی دانسته و با احترام به یکدیگر و حفظ روشهای
عالمانه و راهکارهای مسالمت آمیز و قانونمند ،

^{۵۷} - برخی تحقیقات انجام شده، نوعی داوری نیز ارائه کرده اند: ببینید جریان شناسی دفاع از حقوق زنان،
ابراهیم شفیعی سروستانی، نشر طه، ۱۳۸۶، هم چنین مقاله بررسی جریان های فکری فرهنگی موثر بر
مطالبات حقوقی زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی، شهلا باقری وناهید سلیمی، نشریه زن در فرهنگ
و هنر دانشگاه تهران، شماره ۳ پائیز ۱۳۹۳

فرصتهای مختلف برای خدمت به کشورشان را غنیمت بدانند قطعاً بهبود امور زنان و تعالی همه جانبه جامعه ایران سریعتر بدست خواهد آمد و از دستاوردها و موفقیت‌های مختلف که در مقایسه با بسیاری از دیگر کشورها به ویژه جوامع اسلامی کم نیز نیستند، صیانت لازم صورت خواهد گرفت.

پیشنهاد موضوع گفتگو:

- نمونه‌هایی از آثار منتشره هر یک از رویکردهای فکری مذکور در این درس را مطرح و با جزئیات دیدگاه‌های آنان و نقد و نظرهایی که بر همدیگر وارد کرده‌اند آشنائی بیشتر حاصل شود. مثلاً منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی با نقد‌هایی نیز مواجه شده که از سوی دو طیف فکری دیگر ارائه گردیده است. مطالعه و گفتگو در این خصوص فرد را با جزئیات نظرات چند گفتمان فکری آشنا می‌سازد.
- نوع مواجهه هر یک از رویکردهای فکری مذکور در قبال مصادیق مشخص حل مسائل زنان در کشور یا

روندهای قانونگذاری مربوطه یا نوع برخورد با مباحث مطرح در سطح بین المللی نیز جای بحث و گفتگوی جدی دارد.

- تجربیات عملی که در سطح ملی یا بین المللی مبتنی بر هر یک از رویکردهای فکری در عرصه های مختلف حقوق زن بدست آمده ، بر اساس شاخص های معین و داده های مستند قابل بحث و گفتگوست.

- جزئیات تبیین هر یک از رویکردهای فکری از یکایک حق های زنان و پیامدهای عینی آن محور دیگر مهمی برای گفتگوست مثلا اینکه هر یک از دیدگاهها چه تفسیری از منع تبعیض دارند یا چه نگاهی به عدالت دارند یا در مورد حق های مختلف مانند مشارکت سیاسی اجتماعی، اشتغال، حقوق مالکیت، جرائم و مجازاتها ودهها زمینه دیگر موضوعی چه دیدگاههایی را مطرح میکنند.هم چنین گفتگو در مورد واکنش های هر یک از رویکردهای فکری درقبال

عملکردهای نهادهای مختلف راجع به حقوق زنان
محور مهمی است.

معرفی منابع دیگری برای مطالعه بیشتر:

۱- زن و خانواده در افق وحی، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه
خراسان رضوی، ۱۳۹۱

۲- خانواده، اسلام و فمینیسم، اسماعیل چراغی کوتیانی،
موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹

۳- حقوق زن در ایران و اسناد بین المللی، عباس حسینی، نشر
گنج دانش، ۱۳۸۶

۴- مجموعه چند جلدی زن در متون مقدس، رضا علیجانی
نشر روشنگران، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹

۵- زن در ایران باستان، بررسی حضور سیاسی زن از ظهور
زرتشت تا ظهور اسلام، مریم عنبر سوز، روشنگران، ۱۳۹۰

۶- جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از
۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)، ترجمه نوشین احمدی خراسانی :

نشر اختران، ۱۳۸۴

۷- موازین بین المللی حقوق زنان، شهیندخت مولاوردی، نشر

دانشگاه تهران، ۱۳۹۳

۸- تحلیلی بر مهم ترین مسائل زن و خانواده در ایران، محمد

ضا زیبایی نژاد، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۳

۹- شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی، انتشارات

علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲

۱۰- زن در اسلام (جلد ۱ و ۲)، فریبا علاسوند. قم: حوزه علمیه

قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، دفتر

مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۰.

درس چهارم: آشنائی با برخی سازوکارهای حقوقی ملی و جهانی مرتبط با زنان

ازفراگیر انتظار می‌رود در این درس:

۱- به صورت اجمالی با تقسیم بندی سازوکارهای داخلی

کشور در مورد رسیدگی به موارد نقض حقوق زنان که در

قوانین شناسایی شده آشنا شود.

۲- با برخی از سازوکارهای بین المللی و منطقه ای مربوط به

رسیدگی به شکایات افراد در خصوص نقض حقوق زنان

آشنا شود.

۳- انگیزه های وی برای پیگیری موارد نقض حق از طریق

مجاری قانونی تا رسیدن به عدالت تقویت شود.

۴- حساسیت های وی برای دانستن بیشتر در مورد چگونگی

احقاق حق و مقابله با ظلم ارتقا یابد.

مقدمه:

دسترسی و بهره مندی از سازوکارهای حقوقی وقانونی جهت حل

و فصل اختلافات، تظلم خواهی و پیگیری حقوق تضیع شده، حق

هر شهروندی در اقصی نقاط جهان از جمله شهروندان ایران است. قوانین و مقررات ملی و نیز بین المللی ضمن تعیین و برشمردن این سازوکارها برای همه افراد، در برخی از موارد، نظر به ویژگی خاص زنان که ضرورت حمایت بیشتر از این گروه را ایجاب می کند؛ تدابیر خاصی، به شیوه های گوناگون برای این گروه را نیز مدنظر قرار داده اند. در این درس به صورت اجمالی مروری بر سازوکارها ی ملی و سپس بین المللی مرتبط صورت میگیرد.

گفتار اول) آشنائی با برخی از مهم ترین سازوکارهای ملی احقاق حق

۱. هیات های تشخیص و حل اختلاف در

مورد مشمولان قانون کار

به موجب ماده ۱۵۷ قانون کار، رسیدگی و حل و فصل هر گونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای قانون کار و سایر مقررات کار، قرارداد کارآموزی، موافقت نامه ی کارگاهی یا پیمان های دسته جمعی کار باشد؛ چنانچه از طریق

سازش امکان حل و فصل اختلاف محقق نگردد^{۵۸}، از طریق هیاتهای مذکور صورت می‌گیرد. ذی نفع یا وکیل وی ابتدا باید دادخواست خود را به اداره یا نمایندگی کار و امور اجتماعی واقع در حوزه اشتغال خود تحویل دهد. پس از ابلاغ دادخواست و ضمائم به طرف داخواست و تشکیل جلسه رسیدگی، هیات تشخیص رای خود را صادر می‌کند. طرفین میتوانند ظرف مدت ده روز به رای صادره اعتراض کنند که هیات حل اختلاف بدان رسیدگی و حکم صادر می‌کند. منع انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور، حمل بار بیش از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، مرخصی بارداری و زایمان و استحقاق حقوق ایام مرخصی، اعاده به کار بعد از پایان مرخصی، مرخصی شیردهی جزو شرایط کار زنان^{۵۹} به موجب قانون کار می‌باشد که بازرسان کار جهت نظارت بر حسن اجرای آن موظف به بررسی و تحقیق هستند.^{۶۰} نقض هر کدام از این موارد قابل شکایت میباشد. اعتراض به رای قطعی این

^{۵۸} - هرگاه طرفین اختلاف راسا مبادرت به سازش نمایند از شمول بیمه بیکاری خارج میشوند (بند ۲ - دستورالعمل شماره ۱۹۴۲۲ مورخ ۷۳، وحدت رویه اجرای بیمه بیکاری).

^{۵۹} - مبحث چهارم از قانون کار، مواد ۷۵ الی ۷۸.

^{۶۰} - تبصره ماده ۹۹ قانون کار - آئین نامه چگونگی بازرسی کار موضوع تبصره ماده ۹۹ قانون کار،

هیاتها، در دیوان عدالت اداری قابل بررسی است. شایان ذکر است هرگاه تخلفات منجر به وقوع جرائمی از قبیل نقص عضو یا فوت، کار اجباری و.. شود باید به مراجع قضایی شکایت کرد.

۲. هیات های رسیدگی به تخلفات کارکنان

دولت

به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۱۷ هیاتهای بدوی و تجدیدنظر مستقر در وزارتخانه ها و دستگاههای دولتی و عمومی مندرج در قانون صلاحیت رسیدگی به تخلفات را دارند. رسیدگی با اعلام یا شکایت اشخاص، مدیران ، سرپرستان اداری یا بازرسی های هیات عالی نظارت آغاز میشود. هیات عالی نظارت بر حُسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی در کار هیاتها نظارت می کند و می تواند بخشی یا تمام تصمیمات را ابطال کند. دیوان عدالت اداری نیز صلاحیت بررسی تصمیمات این هیاتها را دارد که فرد متضرر از تصمیم اتخاذ شده میتواند به دیوان شکایت برد.

۳. دیوان عدالت اداری

اعتراض و شکایت از تصمیمات و اقدامات دستگاهها و شرکتهای دولتی، شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و موسسات وابسته به آنها و نیز ماموران این واحدها در امور راجع به وظایفشان، شکایت و اعتراض به آرا قطعی دادگاههای اداری (و نه قضایی)، هیأت هایبازرسیو

کمیسیون هایمانند کمیسیون هایمالیاتی، شورایکارگاه، هیأتتخلایختلاف کارگروکارفرما، کمیسیون موضوععماده ۱۰۰ شهرداری و .. در دو مرحله در دیوان عدالت اداری رسیدگی میشود. هم چنین، افراد و از جمله زنان میتوانند در مورد آئین نامه ها و سایر مقررات دولتی و شهرداری ها که امکان تضییع حقوقشان را فراهم آورده و یا برخلاف قانون میباشد؛ با ارائه علل و ذکر موارد مغایرت با شرع یا قانون به دیوان شکایت نمایند. شایان ذکر است برای تعیین و وصول میزان خسارات وارده از ناحیه اشخاص و موسسات فوق الذکر باید به دادگاههای حقوقی دادخواست داد.

۴. مراجع قضایی

در یک تقسیم بندی؛ محاکم به دو دسته بدوی (تالی) و عالی تقسیم میشوند. محاکم بدوی نیز خود دو دسته هستند: دادگاههای عمومی و دادگاههای اختصاصی. رسیدگی به کلیه جرائم غیر از مواردی که قانون آن را مستثنی کرده است در محاکم عمومی رسیدگی میشود. محاکم اختصاصی هم صرفا در مواردی که قانون مشخص کرده است میتوانند وارد رسیدگی شوند. دادگاههای عمومی دو نوعند: دادگاههای حقوقی و دادگاههای کیفری (جزایی). دادگاههای اختصاصی هم به دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی و دادگاه ویژه روحانیت گفته میشود. دادگاههای عالی یا تجدیدنظر به دادگاههای تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور گفته میشود. دیوان عالی کشور وظیفه نظارت بر حسن اجرای صحیح قوانین در دادگاهها، رسیدگی به تقاضای تجدیدنظر از احکام مهم دادگاهها و رسیدگی به تخلف احتمالی رئیس جمهور در انجام وظایف قانونی دارد. هرگاه جرمی ارتکاب یابد فرد ابتدا باید به دادسرای واقع در محل وقوع جرم مراجعه کند و شکایت خود را تسلیم کند. معمولا برای انجام کارهای تحقیقاتی، پرونده به کلانتری واقع در همان حوزه

ارجاع داده میشود. تصمیم نهایی بازپرس در این مرحله دوگانه است. هرگاه جرم ارتكابی از سوی متهم انجام گرفته باشد بازپرس قرار جلب به دادرسی را صادر می کند و در غیر این صورت یعنی اعتقاد به بیگناهی فرد، قرار منع تعقیب صادر میشود. دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر به ترتیب، دو مرجع رسیدگی کننده به اعتراض وارده بر این تصمیمات هستند. به موجب قانون مجازات اسلامی، برخی از جرایم تعزیری علیه زنان یا حقوق و تکالیف خانوادگی میباشد و از طرفی دیگر؛ برخی جرایم توسط زنان ارتكاب می یابد. به عنوان مثال تعرض یا مزاحمت برای زنان در اماکن عمومی یا معابر، آزار و اذیت زن حامله یا ارتكاب جرم بی حجابی زنان در معابر و انظار عمومی از جمله این موارد است که در هر دو حالت دادگاه کیفری^۲ صلاحیت رسیدگی را دارد.

دادگاههای حقوقی به دعاوی حقوقی یا مدنی رسیدگی می کنند. دعوا در دادگاه محل اقامت خوانده یعنی کسی که علیه او شکایت شده، باید مطرح شود.

۵. شورای حل اختلاف

به منظور حل اختلاف و صلح و سازش میان افراد، شورای حل اختلاف زیر نظر قوهقضائیه در شهرستانها و برخی از روستاها، تشکیل شده است. نحوه مراجعه به شورا را قانون تعیین می کند. طرفین دعوا با تراضی و توافق می توانند برای انجام صلح و سازش در کلیه امور حقوقی و جرائم قابل گذشت و جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت خود راسا به شورا مراجعه کنند. روش دیگر، ارجاع پرونده از طریق دادگاه به شورا؛ جهت برقراری صلح و سازش میباشد که در هر پرونده فقط یکبار انجام میشود و شورا حداکثر دو ماه فرصت دارد. دعاوی خانوادگی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا سقف دو میلیون تومان را شوراهای مستقیمی صلاحیت رسیدگی دارند. شوراهای روستاها صرفا حق برقراری صلح و سازش دارند. واحد اجرائیه شورا مسئول اجرای احکام یا گزارشات اصلاحی (در صورت سازش) میباشد. هم چنین شورا میتواند در دعاوی و

اختلافات در صورت توافق طرفین به عنوان داور اقدام کند. شوراها می توانند حتی بعد از صدور حکم قطعی توسط دادگاه نسبت به برقراری صلح و سازش بین افراد ورود پیدا کنند.

۶. دادگاه خانواده

برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی باید به دادگاه خانواده مراجعه کرد. هرگاه در برخی از حوزه های قضایی شهرستانها هنوز این دادگاه تشکیل نشده باشد، دادگاههای حقوقی صلاحیت رسیدگی را بر عهده دارند. به موجب قانون^{۶۱} این دادگاه به ۱۸ مورد رسیدگی می کند از جمله جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه، ازدواج مجدد، نکاح دائم، موقت و ... به موجب قانون در این دادگاه باید قاضی مشاور زن وجود داشته باشد که در هر پرونده نظر خود را به طور مستدل و مکتوب به دادگاه ارائه نماید و قاضی صدور رای باید در دادنامه نظر قاضی مشاور را اشاره کند و در صورت مخالفت با وی با ذکر

^{۶۱} - قانون حمایت از خانواده - ۹۱/۱۲/۱

دلیل نظریه او را رد کند^{۶۲}. زنان برای طرح دعوی امور خانوادگی میتوانند هم به دادگاه محل سکونت خود و هم دادگاه محل اقامت همسرشان مراجعه کنند مگر در دعوی مال غیر منقول همانند زمین

۷. مراکز مشاوره خانواده

به موجب قانون، این مراکز که حداقل نصف تعداد آن باید از بانوان متاهل باشد؛ در کنار دادگاههای خانواده با هدف تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و نیز برقراری صلح و سازش ایجاد میشوند. البته میتوان از مراکز مشاوره خانواده وابسته به بهزیستی هم استفاده کرد

کار این مراکز ارائه خدمات مشاوره ای به زوجین و انجام خواسته های دادگاه میباشد که در صورت ایجاد صلح و سازش بین زوجین اقدام به سازش نامه می کنند و در غیر این صورت گزارش نهایی خود را به دادگاه مستدلا اعلام می دارند.

۸. نهاد میانجی گری^{۶۳}

^{۶۲}- به موجب تبصره ماده ۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱ قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف ۵ سال به تامین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاههای خانواده اقدام کند و در این مدت میتواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.

^{۶۳}- آیین نامه میانجی گری در امور کیفری مصوب ۹۴/۹/۱۰

ایجاد این نهاد، یکی از نوآوریهای قانون آئین دادرسی کیفری است. طرفین دعوا یا یکی از آنها یا مرجع رسیدگی به پرونده در جرائم خفیف^{۶۴} میتوانند جهت برقراری صلح و سازش موضوع را به میانجی گر ارجاع دهند که می تواند یک فرد یا موسسه ای باشد که به موجب قانون در هر دادسرا یا دادگاه زیر نظر دادستان تشکیل میشود. در این شیوه که جلسه ای با حضور متهم و زیان دیده جرم و افراد دیگری که وجودشان لازم باشد؛ تشکیل میشود و به گفتگو می پردازند، وقتی زیان دیده جرم از صدمات ناشی از جرم و خسارات وارده بر خود می گوید متهم متوجه کاری که انجام داده و عواقب آن، از زبان او میشود لذا با پذیرش مسئولیت کاری که کرده و تلاش برای جبران خسارات به گونه ای اصلاح وی تا حدی فراهم میشود و از سوی دیگر زمانی که زیان دیده جرم از خود و خسارات وارده بر خود می گوید تا حدی تسکین می یابد و هم خسارات وارده بر او جبران میشود و النهایه رضایت او تامین می گردد. در صورت حصول سازش و توافق، میانجی گر موافقتنامه را

^{۶۴} - جرائم درجات ۶ و ۷ و ۸ که حداکثر مجازات حبس دو سال و جزای نقدی حداکثر هشت میلیون

تومان ... را شامل میشود

تنظیم می کند و به مرجع قضایی می دهد و در غیر این صورت، گزارش جلسه را کتبا اعلام می کند. هزینه ای که توسط متقاضی / متقاضیان پرداخت میشود؛ حداکثر آن را قانون تعیین می کند. مقام قضایی که پرونده نزد او در حال رسیدگی است مسئولیت نظارت بر عملکرد میانجی گر را دارد. در دعاوی علیه زنان و خصوصا خشونت های خانگی، نظر به تسریع در کار، کاهش هزینه ها، معذوریت های زنان برای ورود به محاکم و ویژگی های خاص دعاوی خانوادگی که میان اعضای خانواده صورت می گیرد و در بیشتر موارد طرفین با حفظ خانواده خواستار رسیدگی به مشکلات هستند از جمله در موارد حضانت، نفقه و حتی طلاق که نیازمند بررسی در محیطی بدور از خشونت و اعمال مجازاتهای کیفری است؛ شیوه میانجیگری که در دنیا نیز رایج است به نظر شیوه ماسبی است و بازدهی قابل قبولی دارد.

۹- بهره مندی از ظرفیت های نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور

در کشور ما به موجب قوانین ومقررات، نهادهای نظارتی متنوعی پیش بینی شده است. در هر سازمان ونهاد عمومی اعم از وزارتخانه

ها یا دستگاه قضائی یا قوه مقننه بخش نظارتی وجود دارد که افراد می توانند در وهله نخست گزارش نقض حق خود را به آنها منعکس کنند اما فراتر از داخل هر نهاد، در سطح ملی نیز نهادهای نظارتی مشخصی وجود دارند مثلاً در مجلس شورای اسلامی کمیسیون اصل نود یک نهاد نظارتی است که می تواند به شکایات از طرز کار قوا رسیدگی کند یا دیوان محاسبات نهاد نظارتی مالی است که می تواند به گزارشات مربوط به نحوه هزینه کرد دستگاهها و چگونگی صرف بودجه های عمومی رسیدگی کند. یکی از دیگر نهادهای نظارتی سازمان بازرسی کل کشور است. این سازمان یکی از نهادهای تابعه قوه قضائیه میباشد که به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی و براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، تشکیل میشود. در تاریخ ۹۳/۷/۱۵ قانون تشکیل سازمان بازرسی کشور با آخرین اصلاحات به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. آئین نامه اجرایی این قانون در سال ۸۸ با آخرین اصلاحات به تصویب رسیده است. به موجب آئین نامه اجرایی؛ نظارتهای مختلف بر دستگاههای اداری و اجرائی به سه شکل برنامه ای، فوق العاده و موردی انجام

میشود. در نظارت ها عملکرد هر دستگاه تحت نظارت از حیث حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، نحوه عملکرد و رفتار مسئولان از جهت رعایت اصول مدیریت، انضباط، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، رعایت حقوق مردم و اخلاق حرفه‌ای و شئون اسلامی مورد ارزیابی سازمان بازرسی کل قرار می‌گیرد. سازمان در مراکز استانها و شهرستانهای بزرگ میتواند اداراتی داشته باشد. به موجب ماده ۱۲ آئین نامه اجرایی این نهاد، سازمان به شکایات و اعلامات اشخاص، در خصوص سوء جریان اداری و مالی و نقض قوانین و مقررات دستگاه‌های موضوع بند(الف) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان و کارکنان آنها رسیدگی می‌کند.

شکایت باید متضمن هویت، نشانی، کد ملی و کدپستی شاکی و مقرون به دلایل و با امضاء وی باشد و در صورت امکان، مستندات مربوط پیوست گردد. در صورتی که شکایت شفاهی اظهار شود، در صورت مجلس درج و به امضاء شاکی می‌رسد. به موجب ماده ۱۵؛ اعلامات اشخاص به نحو کتبی یا شفاهی و از طریق پست، تلفن، پایگاه اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها یا از طرق دیگر قابل دریافت

است. سازمان بازرسی هم اینک سامانه مشخصی برای دریافت شکایات مردمی ایجاد کرده و از همکاری سازمانهای غیر دولتی برای انجام وظیفه نظارتی خود نیز استقبال میکند.

گفتار دوم) سازوکارهای بین المللی

در صحنه بین المللی نیز همانند داخل کشورها، سازوکارهای قضایی یا شبه قضایی و نظارتی برای رسیدگی به شکایات و گزارشات افراد ایجاد شده است که برخی از آنها بین المللی و گروهی در سطح منطقه ای فعالیت می کنند. اصل در رسیدگی مراجع بین المللی این است که افراد باید همه مراحل دادخواهی در کشور خود را طی کرده باشند و اگر به حق خود نرسند آنگاه می توان از قابلیت های سازوکارهای بین المللی بهره مند شد. دادخواهی به مراجع بین المللی برای زنان و مردان به نحو یکسانی فراهم است. ذیلا برخی از مهم ترین نهادهای بین المللی که بعضا ربطی به شهروندان ایرانی ندارند و به دیگر مناطق دنیا مربوط میشوند اما اطلاع از کارکردهای آنها برای ما ایرانیان نیز مفید است، معرفی می گردند.

۱. دیوان کیفری بین‌المللی^{۶۵}

اولین دادگاه دائمی بین‌المللی است که بشر تجربه می‌کند. این نهاد صلاحیت رسیدگی به جنایات مهم بین‌المللی از جمله نسل‌کشی، جنایات جنگی و تجاوز را دارد. اساسنامه دادگاه در سال ۱۹۹۸ در کنفرانس رم به تأیید ۱۲۰ کشور دنیا رسید و از سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. مقر این دادگاه در لاهه هلند می‌باشد. در این دادگاه افراد علیه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور شده‌اند و دادگاه‌های ملی نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند احقاق حق کنند؛ امکان شکایت دارند. دادگاه طبق "آئین رسیدگی به شکایات" به موارد دریافتی شکایات؛ رسیدگی و حکم صادر می‌کند.

۲. دیوان اروپایی حقوق بشر^{۶۶}

این نهاد در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد و در ۱۹۹۸ وارد مرحله جدیدی از حیات خود گردید. دیوان به طور کلی دارای دو نوع صلاحیت رسیدگی به شکایات و ارائه نظریات مشورتی است. در این دادگاه به شکایات دولتهای عضو علیه یکدیگر و همچنین شکایات افراد

⁶⁵ -www.icc-cpi.int

⁶⁶ -www.echr.coe.int

علیه دولت‌های عضو و شکایات گروهی از افراد و سازمانهای غیردولتی به جهت نقض یکی از حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن، رسیدگی میشود به شرط آن که دولت طرف شکایت قبلا کنوانسیون را مورد تصویب و تایید قرار داده باشد. برای طرح شکایت معیارهایی وجود دارد که از آن جمله میتوان گفت؛ شاکی باید بتواند ثابت کند که خود قربانی جرم بوده و تمامی مراجع داخلی را تا آخرین مرحله‌اش جهت احقاق حقوقش طی نموده و مؤثر نیوده است. شایان توجه است که تبعه بودن کشور عضو برای طرح شکایت لازم نیست بلکه اگر شاکی موقتا مقیم کشور اروپائی طرف شکایت باشد نیز می‌تواند از این امکان دادخواهی بهره مند شود.

۳. دیوان آمریکایی حقوق بشر^{۶۷}

دیوان آمریکایی حقوق بشر نهادی قضایی و مستقل است که در سال ۱۹۷۹ بر اساس کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و با هدف تفسیر و اجرای مفاد مقررات مندرج در کنوانسیون مزبور و رسیدگی به موارد ادعای نقض حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در

⁶⁷-www.corteidh.or.cr

آن، تاسیس گردید. این دادگاه نیز دو صلاحیت مشورتی و رسیدگی به شکایات را دارد لکن در ارائه نظریات مشورتی بسیار فعال تر از دیوان اروپایی میباشد. شرط رسیدگی به شکایت اعلام و پذیرش کشور عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر میباشد. آرای صادره این دادگاه برای تمامی کشورهای عضو که صلاحیت این دادگاه را قبول نموده اند، لازم الاجرا میباشد.

۴. دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم^{۶۸}

در سال ۲۰۰۴ این دادگاه در آوشا پایتخت تانزانیا تاسیس شد. دولت‌ها؛ سازمان‌های مربوط به اتحادیه آفریقا؛ افراد و سازمانهای غیردولتی همگی می‌توانند به این دادگاه مراجعه کرده و از آن درخواست صدور حکم کنند.

۵. شورای حقوق بشر^{۶۹}

شورای حقوق بشر رکن فرعی مجمع عمومی سازمان ملل است و متشکل از ۴۷ کشور عضو بوده که محل آن در ژنو میباشد. هر سال به مدت حداقل ده هفته نشستهایی برگزار می‌کند و به مسائل مربوط به حقوق بشر و موارد نقض آن رسیدگی می‌کند. علاوه بر

⁶⁸ - <http://en.African-court.org>

⁶⁹ - www.un.org/webcast/unhrc

نمایندگان کشورها که باید گزارشات ملی خود را به شورا ارائه کنند، سازمانهای غیردولتی نیز در این جلسات میتوانند شرکت کنند. جریان نشستهای شورا هم چنین به صورت زنده و مستقیم از طریق وبسایت شورا پخش میشود و از این طریق طیف گسترده ای از اسناد و اطلاعات در دسترس عموم قرار دارد. یکی از کاردکردهای شورا رسیدگی به شکایات افراد و نهادها از موارد نقض حقوق انسانی خود یا دیگران که به صورت مداوم و گسترده اتفاق بیفتند؛ می باشد^{۷۰} ترتیبات ویژه^{۷۱} که ماموریت های مقرر هر مورد توسط گزارشگران ویژه شورا یا دبیرکل سازمان ملل یا کارشناسان مستقل یا گروه کاری^{۷۲} صورت می گیرد؛ صلاحیت دارند وضعیت کشورهای خاص یا موضوعات گوناگون را بررسی کنند. این طیف سازوکارها که با عنوان ترتیبات ویژه شناخته میشود عملا فضائی

^{۷۰}- بخش ترتیبات ویژه، دفتر کمیسیونر یا بحقوق بشر سازمان ملل متحد

Special Procedures Division
Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights
Palais des Nations
8-14, avenue de la Paix
CH-1211 Geneva 10 - Switzerland
Fax: +41 (0)22 917 90 06
E-mail: urgent-action@ohchr.org
⁷¹procedures specials

شکل داده که تمامی حقوق بشر و آزادیهای بنیادین در همه کشورها تحت پوشش قرار میگیرد و شهروندان سراسر جهان می توانند به این سازوکارها گزارش خود در مورد عملکرد دولتها را ارائه کنند. شایان توجه است در این نوع اعمال نظارت سازوکارهای شورای حقوق بشر لازم نیست که کشور مورد شکایت حتما به کنوانسیون های حقوق بشری ملحق شده باشد فلذا مردم جهان می توانند در مورد هر کشوری به این سازوکارها گزارش دهند . جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که برای نظارت بر آن شورای حقوق بشر گزارشگر ویژه تعیین کرده است. وی ماموریت دارد در طول سال تحولات ایران را رصد کرده و در چند نوبت گزارش خود را به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کند. گزارشگران موضوعی سازمان ملل نیز که در حال حاضر بیش از ۴۰ عنوان فعالیت را شامل میشوند ، در موارد مختلف به تحولات ایران میپردازند. از جمله حیظه های مورد توجه آنان عرصه وضعیت زنان است.

در شورای حقوق بشر دو رویه مهم دیگر نیز وجود دارد که افراد می توانند داخواهی خود را در روند فعالیت آنها ارائه کنند: یکی

رویه موسوم به ۱۵۰۳ است که به صورت محرمانه به شکایات افراد از دولت‌ها رسیدگی می‌کند و جواب دولت‌ها را نیز محرمانه ارزیابی می‌نماید. اگر نهاد مزبور در رسیدگی غیر علنی قانع نشد موضوع را به سازوکارهای علنی رسیدگی در شورا ارجاع می‌دهد. عرصه دوم دارای اهمیت، روند بررسی دوره ای جهانی گزارش وضعیت حقوق بشر کشورها موسوم به یو پی آر (UPR) است. بررسی دوره ای گزارش وضعیت حقوق بشر کشورها از جمله صلاحیت‌های جدیدی است که نهاد حقوق بشر ملل متحد عهده دار آن شده و قبل از ۲۰۰۶ وجود نداشت. برابر این رویه، هر چهار سال یکبار باید همه دولت‌ها گزارش وضعیت رعایت حقوق انسانی در داخل کشور خود را ارائه و نقدهای دیگران را در جلسه بررسی گزارش در شورای حقوق بشر بشنوند. روال بررسی گزارش یو پی آر این گونه است که سه متن ارائه می‌شود یکی از طرف دولت ذیربط، یکی از طرف نهادهای مدنی و دیگری از طرف سازمان ملل. نهادهای مدنی می‌توانند رصد کنند و زمانی که گزارش یو پی آر دولتی مطرح است دغدغه‌ها و نظرات خود را ارائه نمایند. جمهوری اسلامی ایران تاکنون دو گزارش یو پی آر ۴ ساله خود را به شورای حقوق بشر

داده و دهها توصیه را در روند بررسی دوره ای مزبور پذیرفته است . فعالان حقوق زن طبیعتا باید توصیه های مورد قبول ایران را دقیقا مطلع باشند و پیگیری کنند که آنها رعایت شود.

شایان ذکر است چون در شورای حقوق بشر ملل متحد نمایندگان دولتها یعنی دیپلماتهای حرفه ای تصمیم گیرنده هستند، طبیعتا بدهستان های سیاسی و مناسبات قدرت در سطح جهانی نیز اثرگذاری بالائی دارد و همین امر باعث شده که کشورهای ناقض حق مانند عربستان از رصد جدی این نهاد خارج باشند اما جمهوری اسلامی ایران که به مراتب وضعیت جلوتری نسبت به این کشور یا برخی کشورهای دیگر هم پیمان دولتهای بزرگ جهانی دارد، مورد رصد ویژه و تحت نظارت گزارشگر خاص قرار گیرد. این واقعیات را نیز در شناخت سازوکارهای شورا نباید از نظر دور داشت.

۶. نهادهای معاهده ای (کمیته های ناظر بر پیمان نامه های مهم حقوق بشری)^{۷۳}

پیمان نامه های بین المللی حقوق بشر اسناد لازم الاجرا هستند بدین معنا که هر دولتی که اجرای آنها را قبول کرده است باید

⁷³ - www.ohchr.org/En/

دقیقا پاسخگوی عملکردهای خود باشد. هرر پیمان نامه بین المللی حقوق بشر نهاد نظارتی مشخصی دارد که اغلب در خود سند پیش بینی شده است. پس از آن که هر کشوری عضو ، سند مربوطه را در نظام حقوق داخلی خود تایید و تصویب کرد نهاد نظارتی پیمان نامه کار خود را به طرق مختلف، برای ارزیابی نحوه اجرای مفاد سند در آن کشور، شروع می کند. نهادهای مدنی فعال در سراسر دنیا؛ همواره یکی از بازوهای مشورتی و کمکی موثر به این نهادهای نظارتی بوده و هستند. میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و پیمان نامه های حقوق کودک، منع تبعیض علیه زنان، عدم تبعیض نژادی ، منع شکنجه، حقوق افراد دارای معلولیت از جمله اسنادی هستند که نهادهای نظارتی فعالی دارند. فعالان حوزه زنان تمامی کشورهایی که متعهد به اجرای پیمان نامه های حقوق بشری باشند ، میتوانند با ارائه گزارشات مستقل خود به نهاد نظارتی سند ذیربط و یا حضور و ابراز نظر در جلسات کمیته زمانی که هر چند سال یکبار گزارش دولت مزبور مورد بررسی حضوری قرار میگیرد ، ارزیابی های خود را

منعکس کنند و متعاقب بررسی در کمیته نظارتی و ابلاغ ملاحظات نهائی کمیته به دولت ذیربط، در سطح ملی کشورشان اجرای صحیح توصیه های مرجع نظارتی ملل متحد را پیگیری نمایند.

یکی دیگر از وظایف مهم کمیته های نظارتی پیمان نامه های بین المللی حقوق بشر رسیدگی به شکایات افراد در مورد نقض حقوق خود میباشد. بدین معنا که هر فرد یا چند نفر محدود که در کشور متبوع خود، حقوق قانونی اش مورد تضییع قرار گرفت و نهادهای تظلم خواهی داخلی آن کشور به شکایت وی رسیدگی نکردند یا رسیدگی قضایی؛ عادلانه نبود؛ میتوانند به برخی از این کمیته ها شکایت کنند که در این زمینه، کشورها موظف به همکاری هستند. نکته مهم در این امکان دادخواهی به عنوان یکی از پیش شرطهای لازم برای ارائه شکایت فردی به کمیته های مزبور، آن است کهصلاحیت رسیدگی به مکاتبات فردی افراد توسط کمیته نظارتی از سوی دولتی که شکایت علیه او مطرح شده، است قبلا مورد پذیرش رسمی قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر اگر دولت زمانی که به پیمان

نامه ای ملحق شده اعلام کرده باشد که صلاحیت رسیدگی به شکایات فردی را قبول نمی کند دیگر نهاد نظارتی نخواهد توانست به این صلاحیت خود وارد شود. اجازه یا رضایت قربانی برای طرح دعوا از طریق دیگری یا وکیل و تقدم رسیدگی در داخل کشور فرد از جمله دیگر شروط مذکور برای ورود رسیدگی نهاد نظارتی پیمان نامه میباشد. به غیر کنوانسیون منع تبعیض نژادی که محدودیت زمانی ۶ ماه بعد از صدور حکم نهایی مرجع قضایی کشور فرد را برای طرح در کمیته لحاظ نموده در سایر موارد محدودیت زمانی در نظر گرفته نشده است اگرچه به نظر میرسد جهت امکان بررسی دقیقتر مورد، فرد باید سریعاً اقدام کند.

فعالان جامعه مدنی در سراسر جهان اغلب در موارد نقض جدی، نظام مند یا شدید حقوق بشر در کشور متبوع خود به این کمیته ها گزارش میدهند. کمیته ها در موارد ضروری میتوانند تا اخذ تصمیم نهایی در باره موضوع مورد بررسی، تدابیر موقتی را اتخاذ نمایند.

خلاصه مباحث:

ایجاد سازوکارهای متنوع دادخواهی اعم از اداری، انتظامی یا قضائیی برای رسیدگی به تظلمات مردمی و دسترسی آحاد مردم بدانها بدون اعمال هر گونه تبعیض از جمله وظایف همه حکومتهاست. در این راستا اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حق دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و تاکید کرده که مردم حق دسترسی به دادگاهها را باید داشته باشند. برای تامین این حقوق در قوانین موضوعه کشور، سازوکارهایی تعریف شده و بنا به ملاحظات تقسیم بندیهایی لحاظ گردیده که النهایه با هدف تسهیل دسترسی افراد و نیز تسریع در رسیدگی ها میباشد که به برخی از آنها اشاره گردید. در صحنه بین المللی نیز سازوکارهایی برای رسیدگی به تظلمات وجود دارد. آنچه خارج از مرزهای کشورها به عنوان نهادهای فراملی ایجاد گردیده اعم از نهادهایی که توسط دولتها ایجاد شده اند که در درس حاضر مروری بر آنها صورت گرفت یا نهادهایی که توسط خود مردم ایجاد شده و به عنوان سازمانهای غیر دولتی بین المللی حقوق بشر یا فعال در زمینه حق

های خاص فردی یا گروهی فعالیت می کنند، نقش تکمیلی برای سازوکارهای داخلی دارند و اصل در همه موارد این است که ابتدا باید نهادهای داخلی هر کشور به موضوع رسیدگی و اجرای عدالت نمایند. سازوکارهای بین المللی گاه برای همه کشورهای جهان ایجاد شده و یا فقط در حوزه منطقه خاص فعالیت می کنند. متأسفانه هنوز در منطقه آسیا، سازوکار منطقه ای فراگیری همانند سایر مناطق جهان برای ارتقای حقوق انسانی و رسیدگی به شکایات مردم ایجاد نشده است..

پیشنهاد موضوع گفتگو:

۱. // عملکرد هر یک از سازوکارهای رسیدگی به تظلمات مردم را در مناطق محل زندگی یا اشتغال خود مورد بحث و بررسی قرار دهید. آیا در راستای احقاق حقوق مردم کارآمدی لازم را داشته اند؟ آیا اصولاً سطح آگاهی عمومی از این سازوکارها در حد مطلوبی می باشد؟ اگر پاسخ منفی است، برای بهبود وضعیت چه پیشنهاداتی دارید؟

۲. آیا تفکیک محاکم قضائی مختلف از جهت حدود صلاحیت های هر یک و به عبارتی تخصصی کردن محاکم در رسیدگی سریع تر و عادلانه تر موارد نقض حقوق مردم از جمله حقوق زنان موثر بوده است؟
۳. آیا رسیدگی به شکایات له یا علیه زنان نیازمند مراجع رسیدگی خاص است یا زنان نیز همانند مردان بهتر است به یک محکمه یکسان مراجعه کنند؟
۴. به نظر شما دادگاهی که به شکایات یا جرائم زنان رسیدگی می کند باید دارای چه ویژگی هایی باشد؟
۵. به نظر شما چگونه می توان در سطح جهانی تصویر مناسبی از رعایت حقوق انسانی از جمله حقوق زنان در کشورمان را ارائه نمود؟

معرفی منابع دیگری برای مطالعه بیشتر:

۱. رویه قضایی در شعب دیوان عدالت اداری، معاونت آموزشی پژوهشی دیوان عدالت اداری، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۲
۲. تحلیلی بر قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری، محمد یزدان مهر، زیر نظر دکتر اسداله یآوری، انتشارات مجد،

۳. اختلافات کارگر و کارفرما در آرای دیوان عدالت اداری،
معاونت آموزشی و پژوهشی دیوان، علیقلی فرحپور، انتشارات
جنگل، ۱۳۹۳

۴. اصول دادرسی عادلانه در قوانین و آئین نامه های شورای حل
اختلاف، حکیمه فرنام، ۱۳۹۳

۵. میانجی گری کیفر در پرتو آموزه های عدالت ترمیمی با جستاری
در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، موسی حسینوند،
انتشارات مجد، ۱۳۹۴

۶. نکات کاربردی حقوق خانواده در محاکم قضایی (به زبان ساده)،
رضا کاظمی، ۱۳۹۲

۷. شیوه عملی رسیدگی به پرونده های کیفری در نهاد پلیس، دادسرا
و محاکم کیفری، مهدی یوسفی مراغه و دیگران، انتشارات
خرسندی، ۱۳۹۴

۸. مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، ۷ جلد، تصحیح، ترجمه
وتدوین باقر انصاری، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، نشر
خرسندی، ۱۳۹۵

۹. مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، اسناد منطقه ای (قسمت

اول)، ج ۲، قاسم زمانی و دیگران، انتشارات جنگل، ۸۵

۱۰. مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، ج اول، قسمت اول، اسناد

جهانی، زیر نظر دکتر اردشیر امیرارجمند، انتشارات دانشگاه شهید

بهشتی، ۱۳۸۱

۱۱. دیوان اروپایی حقوق بشر و حق بر حریم خصوصی و زندگی

خانوادگی، کتاب گفتگو، محمدحسن مسجدی، مطهره سادات

مهدیان صدر، ۹۳

* پایگاههای اطلاع رسانی:

www.dadiran.ir قوه قضائیه

www.divan-edalat.ir دیوان عدالت اداری

www.mcls.gov.ir وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

www.dotic.ir سامانه ملی قوانین و مقررات

درس پنجم: نقش قوای سه گانه و سایر نهادهای عمومی در روند پیشبرد حقوق بشر زنان و عدالت جنسیتی

از فراگیر انتظار می‌رود در این درس:

۱- به صورت اجمالی با ساختار و کارکردهای قوه مقننه که به

پیشبرد حقوق زنان و عدالت جنسیتی کمک می‌کند آشنا

شود.

۲- به صورت اجمالی با ساختار و کارکردهای قوه مجریه که

به پیشبرد حقوق زنان و عدالت جنسیتی کمک می‌کند

آشنا شود.

۳- ساختار و کارکردهای قوه قضائیه که به پیشبرد حقوق زنان

و عدالت جنسیتی کمک می‌کند را به صورت اجمالی

شناسائی کند.

۴- انگیزه‌های وی برای تلاش و استفاده از ظرفیت‌های قانونی

موجود در کشور جهت ارتقای حقوق زنان و عدالت

جنسیتی ارتقا یابد.

مقدمه :

قوای سه گانه کشور هر کدام با توجه به شرح وظایف و اختیارات خود در جهت تحقق حقوق عامه مردم و از جمله زنان کشور؛ که در قانون اساسی بدان اشاره شده است باید اقداماتی را انجام دهند. قوه مقننه با توجه به رسالت مهم قانون گذاری میتواند با تصویب قوانین عادلانه در جهت رفع خلاء های قانونی، اصلاح قوانین نامناسب و حذف موارد تبعیض آمیز و خشونت بار به پیشبرد حقوق زنان کمک کند. قوه مجریه با وظیفه مهم اجرای همه جانبه مفاد قانون اساسی که برعهده عالی ترین مقام این قوه نهاده شده و از طریق وزارتخانه ها و سازمان های اجرایی گسترده در سراسر کشور میتواند نسبت به ایجاد بستر های مناسب جهت اجرایی شدن حقوق زنان همانند مردان جامعه اقدام کند. قوه مجریه می تواند با انتصاب زنان در مراکز قدرت و تصمیم گیری کلان ضمن این که از توان جامعه زنان برای بهبود وضعیت کشور استفاده کند، توانمندسازی هر چه بیشتر زنان را تسریع بخشد. قوه قضائیه که به موجب قانون اساسی وظیفه مهم رسیدگی به تظلمات مردم و حل اختلاف ، احیای

حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع را برعهده دارد؛ با ایجاد مکانیزمها و فرایندهای قضائی مناسب و قانونی می تواند رسیدگی عادلانه به شکایات زنان را محقق سازد. طبیعتا استفاده مناسب و بجا از خود زنان برای پیشبرد همه این اهداف بلند از جمله ضرورتهاست. نظر به کارکردهای مهم هر یک از قوای سه گانه کشور، در درس حاضر مروری فشرده بر ظرفیت های قوای سه گانه در جهت پیشبرد حقوق زنان و عدالت جنسیتی صورت میگیرد.

گفتار اول) نقش قوه مقننه در روند پیشبرد حقوق زنان و عدالت جنسیتی

با عنایت به حیظه های متنوع صلاحیت این قوه از جمله قانون گذاری، نظارت بر اجرای قوانین و نمایندگی مطالبات مردم و پیگیری اعتراضات مردمی از دستگاههای مختلف، اجرای درست هر کدام از این صلاحیتها، قطعا به روند پیشبرد حقوق زنان در جامعه کمک خواهد کرد⁷⁴. ذکر این نکته حائز اهمیت است که برابر نظام حقوقی ایران چه در انتخاب افراد به عنوان نماینده مجلس و چه

⁷⁴ www.majlis.ir

در ایفای صلاحیت های قوه مقننه ، برابری جنسیتی وجود دارد
و هیچ فرقی بین زن و مرد نیست.

در مورد صلاحیت یکایک نمایندگان مجلس به عنوان نمایندگی
کل ملت ، با توجه به این که نمایندگان از طرف مردم و با رای
مستقیم آنان انتخاب میشوند؛ طبیعتا باید بیشترین ارتباط با مردم را
نیز داشته باشند، شفاف عمل کنند و در مقایسه با سایر قوا از حداقل
محرمانه بودن برخوردار باشند. تقویت این کارکرد و ارتباط مستمر
و دوجانبه مردم و نمایندگان منتخب آنان؛ موجبات تقویت
دموکراسی در کشور و نهاد قانون گذاری را فراهم می کند . حال
که زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، در عمل از برابری
جنسیتی موجود در مقررات برای ایفای وظیفه نمایندگی ملت
نتوانسته اند بهره مند شوند؛ ضرورت تقویت ارتباط دوسویه میان
زنان و گروههای فعال زنان و نیز نمایندگان مجلس و نه صرفا زنان
نماینده، دوچندان می نماید تا مشکلات، نیازها و اولویتهای زنان
کشور در این قوه بهتر و موثرتر مدنظر قرار گیرد. و اما دو کارکرد
مهم دیگر قوه مقننه نیز در ارتقای حقوق زنان بسیار اساسی است.

کارکرد قانونگذاری: مهمترین و اصلی ترین کار قوه مقننه است. نماینده ملت باید اولویتهای شهروندان را به قانون تبدیل کند. در اصل ۷۱ قانون اساسی تصریح شده "مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل و در حدود مقرر در قانون اساسی، میتواند قانون وضع کند". برای انجام وظیفه یاد شده و بررسی عمیق تر و دقیقتر مسائل و مشکلات شهروندان در این قوه، کمیسیونهای تخصصی در مجلس وجود دارند که به صورت کارشناسانه به مباحث نگاه می کنند. آنچه که به عنوان قانون در مجلس مورد تصویب قرار میگیرد؛ دو شکل دارد. در نوع اول، خود نمایندگان نظر به نیاز جامعه و ضرورت تدوین قانون اقدام به تهیه پیش نویسی تحت عنوان "طرح" می کنند که پس از روند اقدامات اجرایی ثبت و ضبط آن در مجلس جهت تصویب نهایی در معرض رای و داوری علنی عموم نمایندگان مجلس قرار میگیرد. در نوع دوم پیش نویسی از سوی دولت تحت عنوان "لایحه" به مجلس ارائه میشود. این تصویب یا در صحن علنی مجلس و با مشارکت حداکثر نمایندگان حاضر انجام میشود یا به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیونهای تخصصی مجلس واگذار میشود که به صورت آزمایشی و برای مدت

مشخصی که در قانون تعیین شده؛ تصویب گردد. قانون اساسی در برخی از موارد به طور خاص تدوین و تصویب قانون توسط مجلس را مورد تاکید قرار داده است که از آن جمله میتوان به قانون شوراها، تامین اجتماعی، نیروهای مسلح و... اشاره کرد. تفسیر قوانین مبهم نیز به عهده خود مجلس است. مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به تایید شورای نگهبان برسد. بدین ترتیب، کاملاً آشکار است که در تمام فرایندهای قانونگذاری، مجلس می تواند ارتقای حقوق زنان و عدالت جنسیتی را شاخص مهمی برای ارزیابی هر طرح یا لایحه قرار دهد البته ممکن است مصوبه مجلس به تایید شورای نگهبان نرسد که اگر باز نمایندگان بر نظر خود اصرار ورزند به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع میشود و در آنجا تعیین تکلیف خواهد شد.

کارکرد نظارت: بعد از تصویب قانون، نظارت باید صورت گیرد و فعالیتهای قوه مجریه و سایر دستگاهها و نهادهای کشور از حیث کارآمدی، درستی و دقت عمل کنترل شود که انجام شایسته این صلاحیت، نیازمند داشتن اطلاعات لازم است. مجلس شورای اسلامی برای ایفای این وظیفه به شکل های مختلف می تواند وارد

عمل شود. یکی از کمیسیونهای تخصصی مجلس با عنوان "کمیسیون اصل ۹۰" می تواند به صورت موردی مصادیق مختلف شکایات مردمی را بررسی و از دستگاههای مختلف پاسخگویی و اصلاح عملکردهای خلاف را مطالبه نماید. هم چنین مجلس با استفاده از ابزارهای دیگر مانند سؤال و تذکر قانونی به مسئولان، طی فرایند استیضاح وزرا و احیانا دادن رای عدم اعتماد به وزیر، نطقی پیش از دستور، نشر نامه های علنی و غیر علنی به مسئولان کشوری و... بر عملکرد همه دستگاهها نظارت کند. بهره مندی درست و به موقع از هر کدام از این صلاحیت ها در حوزه مربوط به مسائل و مشکلات زنان و داشتن نگاه ویژه در قبال مشکلات و چالشهای حقوقی زنان قطعا در پیشبرد حقوق نه تنها زنان بلکه همه جمعیت کشور موثر خواهد بود. تشکیل فراکسیون زنان در مجلس شورای اسلامی جهت همسویی و همفکری بیشتر زنان نماینده مجلس با یکدیگر و پی جوئی مستمر مطالبات زنان کشور و مذاکره با دیگر نمایندگان و جلب حساسیت های آنان برای همیاری در این زمینه ظرفیت دیگری است که در حال حاضر در قوه مقننه ایران وجود دارد اما عملکردهای آن باید ارتقای جدی پیدا کند تا زنان کشور

بتوانند مصادیق مختلف اثرگذاری آن را احساس نمایند و از هر گونه همفکری و تعامل با این فراکسیون استقبال کنند.

گفتار دوم) نقش قوه مجریه در پیشبرد حقوق زنان

اختیارات و وظایف ریاست جمهور را قانون اساسی بر شمرده است. اجرای قانون اساسی، امضای قراردادهای بین المللی، اعزام و قبول سفیران و ریاست دولت و مسئولیت شوراهاى عالی کشور، عالی ترین مقام اجرایی کشور، تصویب آئین نامه های اجرایی و نظارت بر عملکرد نهادهای اجرایی و در تعامل با سایر قوا به عنوان مثال قوه مقننه؛ امضای قوانین و تصویب لوایح و ... از جمله صلاحیت های مهم رئیس جمهور است.⁷⁵ در حوزه زنان؛ اصل ۲۱ قانون اساسی تاکید دارد که دولت موظف است در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی حقوق زن را تضمین کند و رئیس جمهور که مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد و در آغاز کار خود سوگند یاد میکند که از حقوقی که قانون اساسی برای ملت شاخته است؛ حمایت نماید، طبیعتاً مسئولیت تحقق نهادین حقوق زنان را بر دوش میکشد. با عنایت به همین وظیفه سنگین بوده که سازوکاری در قوه

⁷⁵ www.president.ir

مجریه برای پیگیری امور زنان از سالها قبل شکل گرفته و به تدریج جایگاه اداری آن به معاونت رئیس جمهور در امور زنان⁷⁶ ارتقا یافته است. معاون مذکور در جلسات هیات دولت شرکت می کند و این خود زمینه ای مناسب برای ارتباط متقابل با اعضای هیات دولت و تسهیل در اقدامات ارتقا بخش امور زنان در کشور می باشد؛ از آن جایی که این معاونت در ساختار سازمانی قوه مجریه نقش ستادی و راهبری امور زنان برای همه وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی را بر عهده دارد دائما می تواند از چالشهای مربوط به زنان در همه دستگاهها اطلاع پیدا کند و از طریق دولت و رئیس جمهور و وزرا حل چالشها و تلاش برای بهبود وضعیت را پیگیری نماید.

یکی از حقوق زنان مشارکت آنان در ساختارهای قدرت و تصمیم گیری است و حکومت باید در تمام ساختارهای قدرت برای زنان نیز همانند مردان؛ فرصت مشارکت را فراهم کند. قوه مجریه دروزارتخانه ها و ادارات تابعه از معاونت و مشاور وزیر گرفته تا سفیر، سخنگوی وزارتخانه، مدیرکل امور زنان، مدیر واحد امور

⁷⁶- www.women.gov.ir

زنان، فرماندار و... از زنان برای تصدی این پستها استفاده کرده است.

تهیه پیش نویس لوایح در عرصه های مختلف حقوق ملت و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب قانونی؛ از جمله وظایف مهم دیگر این قوه است. پیشبرد حقوق زنان در برخی موارد نیازمند تصویب قوانین و مصوباتی است که تهیه پیش نویس مناسب آن از سوی دولت و تصویب به موقع آن در هیات دولت میتواند گام موثری در رفع برخی از مشکلات حقوقی زنان در کشور باشد. هم چنین دولت میتواند در برخی موارد خود اقدام به تصویب آئین نامه ها و دستورالعمل هایی نماید که گره گشای مشکلات زنان است. در برخی موارد قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی برای اجرایی شدن نیازمند تهیه و تصویب آئین نامه اجرایی است که قوه مجریه باید اقدام کند و در هیات دولت آن را به تصویب برساند. در این مرحله نیز داشتن نگرش مناسب نسبت به حقوق زنان اثرگذاری مفیدی بر جای میگذارد. توسعه مطالعات زنان از طریق آموزش عالی، گسترش آموزشهای مورد نیاز مربوط به حقوق زن و عدالت جنسیتی در متون آموزشی آموزش و پرورش و تلاش برای مهارت

افزائی حقوقی آینده سازان کشور در مدارس، اختصاص منابع اعتباری و مالی مورد نیاز برای اجرای طرح های مختلف اثرگذار بر روند پیشبرد حقوق زنان و عدالت جنسیتی در سراسر کشور، اختصاص حمایت های لازم از زنان آسیب پذیر، تلاش همه جانبه برای رفع بی عدالتی های موجود در عرصه کار و اشتغال و مشارکت عمومی زنان در اداره کشور، تلاش برای ارتقای فرهنگ عمومی در حیطه حقوق زنان و عدالت جنسیتی از طریق مجموعه ظرفیت های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله حیطه های مهم دیگری هستند که قوه مجریه می تواند نقش آفرین باشد.

نهادهای مردم نهاد زنان دارای قابلیت های خوبی برای پیشبرد امور زنان هستند. چنانچه این هویت های مردمی مورد حمایت موثر دولت در فرایندهای تصمیم سازی، اجرای تصمیمات قانونی مربوط به وظائف دستگاههای مختلف و ارتقای فرهنگ عمومی قرار گیرند، اثرگذاریهای متنوعی در روند ارتقای وضعیت زنان برجای خواهند گذاشت. خوشبختانه رویکرد استقبال از شکل گیری نهادهای مردمی و همکاری با این نهادها در مجموعه حاکمیت رو به رشد است و در قوه مجریه نیز جلوه های مختلفی از این گونه

همکاریها را می توان برشمرد چنانچه معاونت رئیس جمهور در امور زنان و خانواده برای این بخش، برنامه های خاصی را از گذشته تا کنون اجرائی نموده یا در دست اقدام دارد.

گفتار سوم) نقش قوه قضائیه در پیشبرد حقوق زنان

اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوه قضائیه را قوه ای مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است، معرفی می کند. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، شکایات، تعدیات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومت و تصمیم گیری در موارد امور حسبه مصرح در قانون، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین از جمله وظایف این قوه میباشد.^{۷۷} به موجب اصل بیستم قانون اساسی همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. هم چنین برابر اصل سوم قانون

⁷⁷ -www.dadiran.ir

اساسی افراد اعم از زن و مرد، مستحق برخورداری از امنیت قضایی عادلانه و تساوی در برابر قانون هستند.^{۷۸}

رئیس قوه قضائیه به موجب اصل ۱۵۸ دارای وظایفی است که از آن جمله میتوان به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری و تهیه لوایح قضائی اشاره کرد. برخی از مهم ترین بخش های تشکیلاتی قوه قضائیه عبارتند از رئیس قوه، معاون اول قوه، محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران (دادسرا « عمومی - اختصاصی»، دادگاه « حقوقی - کیفری »)، دیوان عالی کشور، دادستانی کل کشور، سازمان های وابسته به قوه قضائیه (سازمان ثبت اسناد و املاک ، سازمان بازرسی کل کشور ، سازمان زندان ها، سازمان قضائی نیروهای مسلح، دیوان عدالت اداری، روزنامه رسمی ، دانشکده علوم قضائی).

در راستای وظیفه رسیدگی به تظلمات، شکایت و تضمین رعایت حقوق زنان در دعاوی مختلف، به موجب قانون وظایفی برای این قوه تعیین شده که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

^{۷۸} - بند ۱۴ لصل سوم قانون اساسی

• ایجاد محاکم خاص رسیدگی به شکایات خانوادگی در راستای اصل ۲۱ قانون اساسی^{۷۹}

• انتخاب مشاوران زن در محاکم خانوادگی^{۸۰}

• ایجاد مراکز مشاور خانواده در کنار دادگاههای خانواده به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش^{۸۱}

قوه قضائیه در جهت ایفای نقش نظارتی خود، به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی موظف به تشکیل سازمانی تحت عنوان " سازمان بازرسی کل کشور" به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری شده است^{۸۲}. به موجب ماده ۱۲ آئین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کشور مصوب ۹۳/۷/۱۵ این سازمان میتواند به شکایات و اعلامات اشخاص در خصوص سوء جریان اداری و مالی و نقض قوانین و مقررات کلیه

^{۷۹} - قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی ، مصوب

۷۶ - قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

^{۸۰} - به موجب تبصره ماده ۲ قانون خانواده مصوب ۹۱ قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تامین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاههای خانواده اقدام کند

^{۸۱} - ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱

وزارتخانه ها ، دستگاههای تابعه قوه قضائیه، نیروهای نظامی و انتظامی و موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها ، دفاتر اسناد رسمی و نهادهای عام المنفعه و نهادهای انقلابی و.. رسیدگی کند.^{۸۳}

بعلاوه، یکی از سازمانهای تابعه این قوه "سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی" ^{۸۴} میباشد. این سازمان در کنار ادارات تابعه خود سه مرکز حمایتی هم دارد. ستاد مردمی رسیدگی به امور دینه، مرکز مراقبت بعد از خروج زندانیان و انجمن حمایت از خانواده زندانیان. در جهت رعایت یکی از اصول مهم زندانبانی؛ یعنی تفکیک زندانیان براساس جنس و سپس نوع جرائم، سن و غیره؛ بندهای خاص زنان زندانی در نظام زندانبانی کشور ایجاد شده است. در مجموع، اگر قوه قضائیه وظیفه پیشگیری از جرم و احیای حقوق عامه مقرر در اصل ۱۵۶ قانون اساسی را با این نگرش مورد پیگیری قرار دهد که لازم است در ابعاد مختلف فعالیتهای، حقوق زنان و رفع مظلالم علیه آنها را مد نظر قرار داد طبیعتا در بخشهای گوناگون انجام

^{۸۳}- جهت آشنایی بیشتر رجوع کنید به درسنامه پنجم

^{۸۴}- www.prison.ir

وظائف این قوه ثمرات مطلوب برای تضمین رعایت حقوق زنان مشاهده خواهد شد.

خلاصه مباحث :

در این درسنامه به اختصار در مورد هر کدام از وظایف و اختیارات قوای سه گانه کشور و زمینه هایی که موجبات پیشبرد حقوق زنان را در عرصه های مختلف فراهم میسازد؛ نکاتی بیان گردید. قوه مقننه سه کارکرد مهم نمایندگی ملت ، قانونگذاری و نظارت بر عملکردهای همه دستگاهها و امور کشور را برعهده دارد. قوه مجریه و شخص رئیس جمهور وظیفه اجرای قانون اساسی، تصویب آئین نامه های اجرایی و مدیریت اجرائی امور کشور و در تعامل با سایر قوا وظائف مهم دیگری را بر عهده دارد. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، شکایات، تعدیات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومت و تصمیم گیری در موارد امور حسبیه مصرح در قانون، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع و نظارت بر حُسن اجرای قوانین از جمله وظایف قوه قضائیه میباشد. به موجب اصل بیستم قانون اساسی همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. افراد اعم از زن و مرد، مستحق برخورداری از امنیت قضایی عادلانه و تساوی در برابر قانون هستند.^{۸۵} قوای سه گانه لازم است برای تحقق اصول قانون اساسی دائما با یکدیگر تعامل و همکاری و هم افزائی داشته باشند. یکی از محورهای مهم فراروی قوای کشور ارتقای حقوق زنان و عدالت جنسیتی بر اساس ارزشهای توحیدی مورد قبول جامعه ایران است.

پیشنهاد موضوع گفتگو:

۱. ارزیابی شما از روند پیشبرد حقوق زنان در عملکردهای قوای سه گانه چیست؟ در چه زمینه هائی قوت و دستاورد و در چه مواردی خلا و نارسائی یا اشکال و ایراد می بینید؟
۲. تعامل و همکاری دستگاههای مختلف مربوط به قوای سه گانه یا سایر نهادهای حاکمیتی را در استانهای محل زندگی خود برای بهبود امور زنان چگونه ارزیابی می کنید؟
۳. میزان فعالیت سازمانهای مردم نهاد (سمن ها) را در مناطقی که شما زندگی می کنید؛ در این فرایند چگونه ارزیابی می

^{۸۵}- بند ۱۴ لصل سوم قانون اساسی

کنید؟ چه مشکلاتی بر سر راه آنها وجود دارد؟ راهکارهای خود را مطرح کنید.

۴. چه موضوعاتی را در حیطه ارتقای وضعیت زنان فوری می بینید که لازم است در قوای سه گانه برابر شرح وظائف قانونی آنها با فوریت بیشتری پیگیری شود؟ دلیل فوری دانستن موضوع را بحث کنید.

معرفی منابع دیگری برای مطالعه بیشتر:

- زن و مسائل قضایی و سیاسی (شهادت، افتا، قضاوت، سیاست)، مرتضی مطهری، انتشارات صدراف ۱۳۹۲
- نهادهای قضاوتی در نظام حقوقی ایران، محمدعباس زاده، علی اسدی، سعید رضا مختاری، ناشر قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، ۱۳۹۳
- اشتغال زن از دیدگاه فقه امامیه و حقوق، فاطمه شوری، نشر ملائک، ۱۳۹۲
- تاثیر جنسیت بر اشتغال زنان، فهیمه ملک زاده، نشر جامعه شناسان، ۱۳۹۲

- حقوق اساسی جمهوری اسلام ایران، سیدمحمد هاشمی، دو جلد، نشر دادگستر، دو جلدی، ۷۷
- حقوق بشر در دستگاه قضایی، راهنمای آشنایی با حقوق بشر برای قضات، دادستان ها و حقوق دانان، دو جلدی، ترجمه سعید نوری نشاط، دو جلدی، ۸۸
- حقوق خانواده، سیدمحمد موسوی بجنوردی، به اهتمام ابوالفضل احمدزاده، انتشارات مجد
- بررسی تطبیقی حقوق خانواده، سیدحسین صفایی، سیدعزت اله عراقی، اسداله امامی و سایرین، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲

درس ششم: نقش جامعه و تشکل‌ها و شبکه‌های مردمی در ارتقای توانمندی حقوقی زنان

از فراگیر انتظار می‌رود در این درس:

۱- شناخت اجمالی از هسته‌های درون جامعه خود بدست آورد.

۲- بابرخیازمهمترینکارکردهایسازمانهایغیردولتیاشناشود.

۳- بانگرشقانوناساسیایراندرموردتشکل‌هایمدنی
وفعالیت‌آنهاآشناشود.

۴- انگیزه‌های او برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های اجتماعی
مختلف یا مشارکت در هسته‌های اجتماعی تقویت شود.

مقدمه:

چند قرن از شکل‌گیری دولت -کشور به مفهوم مدرن آن می‌گذرد. در این مدت دولت به مفهوم عام(در بردارنده همه قوای حکومتی) به عنوان نماینده اقتدار عمومی و حاکمیت ملی در سطح داخلی کشورها و در عرصه بین‌المللی بازیگر محوری بوده و از

اختیارات گسترده ای برخوردار بوده است. با این حال افراد وتشکل های غیر دولتی نیز بیکار نبوده ودر طول دوران تجربه دولتهای مدرن دائما تلاش کرده تا اثرگذار باشند و دولتها را به سوی مدیریت شایسته و رعایت حقوق عموم مردم جهت دهند. بسیاری از انقلابها و جنبش های مردمی و فعالیت های صنفی و تجمعات گروهی و نوشته ها و مکتوبات اعتراضی همه در این راستا بوده تا دولتها را به سمت رعایت هر چه بیشتر حقوق مردم سوق دهند و ستمگران و سواستفاده کنندگان از حقوق مردم را از مسندهای عمومی خارج سازند. مصادیق اثرگذاریهای مردمی بر فعالیت هاسی دولتها وارکان آنها در سطح کشورهای مختلف یا جامعه جهانی متفاوت بوده با این حال پس از تحولات دهه ۱۹۹۰ میلادی در سطح جامعه جهانی اثرگذاریهها و نقش آفرینی های تشکل های مردمی وسعت وعمق بسیار بیشتری یافته آن گونه که امروزه پس از گذشت قریب به دو دهه از حضور روز افزون جوامع مدنی وتشکل های غیر دولتی در سطح جهانی، بسیاری از محققان اعلام می دارند که دیگر دوره دولت محوری اداره امور جوامع سپری شده وامروز دولتی دولت خوب و حکمرانی حکمران شایسته محسوب می شود که با

مشارکت همه جانبه مردم و حضور آنها در بخشهای مختلف امور عمومی جامعه را اداره کند. در سطح جهانی نیز امروزه مطالبه نظم عادلانه و مردم محور و با رعایت حقوق بشر مطالبه ای فراگیر و مربوط به همه ملتهاست که همین امر تغییرات متنوعی را در قواعد و مناسبات حقوقی بین المللی ایجاد کرده است. امروزه میلیونها انسان در سراسر جهان در قالب تشکلهای مختلف مدنیو اجتماعی فعالیت میکنند. بسیاری از آنها متمرکز بر موضوع زنان هستند و خواهان رفع بی عدالتی های موجود در عرصه حقوق زنان می باشند. برای آنکه با نقش آفرینی های آنان بهتر آشنا شویم ابتدا لازم است مروری بر ماهیت تشکلهای اجتماعی، کارکردهای آنها و برخی از آثار فعالیت های انجام شده داشته باشیم آنگاه به این پرسش پردازیم که چگونه می توان از ظرفیت های اجتماعی و تشکل های مدنی برای توانمندسازی حقوقی زنان استفاده بهینه به عمل آورد؟

گفتار اول) نگاهی به ظرفیت ها و هسته های نهادین اجتماعی

۱- جامعه متشکل از افراد و نهادهای مختلف است. در سطح ملی هر کشور اگر قرار باشد اجزا جامعه را از هم تفکیک کنیم

بخشی از جامعه نهادهای عمومی هستند که خدمات عمومی به مردم ارائه می کنند و عمدتاً نهادهای حاکمیتی نامیده میشوند(الف)، بخشی نهادهای خصوصی هستند که مشغول کسب و کار و مناسبات مربوط میباشندمانند تاجران و کسبه مختلف و سایر مشاغل خصوصی یا مربوط به حریم خصوصی شهروندان میشوند مانند نهاد خانواده(ب) و بخشی نهادهای غیر دولتی هستند که به دنبال منفعت و کسب و کار شخصی و حریم خصوصی نبوده بلکه در صدد تحقق نفع و خیر جمعی هستند و توسعه جامعه خود یا یاری رسانی به افراد مورد نیاز را دنبال می کنند(ج).

اکثریت افراد یک جامعه قطعا در یکی از این سه حلقه حضور پیدا می کنند.

۲- معمولاً وقتی سخن از شناخت ظرفیت های اجتماعی به میان میآید برخی واژه های کلیدی مطرح میشوند از جمله جامعه مدنی(civil society)، عرصه یا سپهر عمومی (public sphere)سازمانهای غیر دولتی یا تشکل های مردمی یا سمن ها یا سازمان های اجتماعی(sos-ngos) . هر یک از این

واژه ها و کلمات مشابه دیگر معانی و مباحث زیادی را در بردارند که طرح آنها خارج از هدف نوشتار فشرده حاضر است اما اجمالا برای آشنائی فراگیران ارجمند نکاتی ارائه میشود.

جامعه مدنی مفهومی است که عمدتا در فرهنگ مغرب زمین مطرح شده و به همین جهت محققان تاریخ ریشه شناسی مفهومی آنرا از یونان باستان به این سو به ویژه از عصر روشنگری تاکنون مورد بحث قرار داده اند.^(۸۶) البته برخی محققان جوهره این مفهوم را در همه فرهنگها موجود یافته و با این نگرش ریشه های مفهومی جامعه مدنی در اندیشه اسلامی را نیز تبیین کرده اند.^(۸۷) در برخی منابع تخصصی، دوره های مختلف تاریخی طرح این عنوان و معانی آن در سالهای قبل از دوره روشنگری در غرب، دوران موسوم به مدرن، دوره پسامدرن جداگانه بررسی

⁸⁶ -Jean L. Cohen, Civil Society and Political Theory, MIT Press, 1994 pp. 84-85

⁸⁷ -مقاله جامعه مدنی در دانشنامه جهان اسلام، قابل دسترس در: <http://rch.ac.ir/article/Details/10234>

شده است.^(۸۸) جامعه مدنی اغلب به نهادها و روابطی که ارتباطات اجتماعی را در لایه میان دولت و خانواده سازماندهی میکنند، اطلاق میشود^(۸۹) اما حوزه عمومی گستره وسیع تری از جامعه مدنی دارد. حوزه ای است که دولت و ملت و گروهها در جهت حفظ و بقای جامعه خود به تلاش، مفاهمه و ارائه طریق میپردازند. در این حوزه تمرکز بر خیر مشترک است. محققان گفته اند که عرصه عمومی در ادامه سیر تکامل یافته مباحث جامعه مدنی مطرح شده است البته حوزه عمومی همچون ترتیباتی نهادی آشکارا ریشه در جامعه مدنی دارد^(۹۰) سازمان های غیر دولتی یا غیر حکومتی یا سازمانهای داوطلبانه اجتماعی یا تشکل های مردم نهاد همانگونه که از نامشان بر میآید مجموعه های مستقل و خودجوش و داوطلبانه مردمی هستند که با اهداف غیر انتفاعی ایجاد شده و در موضوعات

⁸⁸ -Paweł Stefan Zaleski Global Non-governmental Administrative System: Geosociology of the Third Sector, [in:] Gawin, Dariusz & Gliński, Piotr [ed.]: "Civil Society in the Making," IFiS Publishers, Warszawa 2006

⁸⁹ -حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، رحیم نوبهار، نشر جنگل، ۱۳۸۷، ص ۴۲

⁹⁰ -پیشین، ص ۴۳-۴۵

مختلف با پویائی وانعطاف و به صورت مسالمت آمیز فعالیت میکنند و در واقع بخشی از سازمانها وتشکل های جامعه مدنی محسوب میشوند.^(۹۱)

۳- طیف نهادهائی که در کلیت جامعه مدنی قرار میگیرند گسترده هستند. برخی از مهم ترین تشکلهایی که درون جامعه مدنی یک کشور قرار میگیرند عبارتند از: مجموعه نهادهای غیر حکومتی شامل مراکز علمی، گروههای فعال اجتماعی، خیریه ها، کلوپ های ورزشی و تفریحی، بنیادهای اجتماعی، سازمان های مصرف کنندگان، تعاونیها، سمن ها، مراکز غیر انتفاعی، احزاب سیاسی، سازمانهای داوطلبانه خصوصی، انجمن های حرفه ای، اتحادیه های تجاری و صنفی، سازمان ها و هیئت های دینی و مذهبی، گروههای حمایتی^(۹۲)

^{۹۱} - Lewis, David; Kanji, Nazneen (2009). Non-government organizations and development. 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon, OX14 4RN: Routledge. pp. 9-10I

^{۹۲} - هر یک از طیفهای مذکور خود ممکن است دهها نهاد تابعه داشته باشند که با نام های مختلف میشوند مثلا نهادها دینی و مذهبی با اسم های مختلف و شرح وظائف مختلف وجود دارد و همینطور تشکلهای حرفه ای با نامهای متنوع و گستره فعالیت گوناگون و....

۴- سازمان های غیر دولتی یا غیر حکومتی امروزه در سراسر جهان فعالیت های گسترده یا دارند و تعداد آنها فراتر از چند میلیون است . تقسیم بندی این سازمان ها بر اساس معیارهای مختلف صورت می گیرد . سازمان ملل بر مبنای گستره فعالیت این سازمان ها در گستره ملی یا بین المللی و اینکه در یک موضوع معین فعالیت میکنند یا در چندین محور موضوعی، تقسیم بندی کرده و بر همین اساس به آنها وضعیت مشورتی خاص خود می دهد تا در سازمان ملل حضور یابند و اثرگذار باشند.^(۹۳) در سطح ملی کشورها نیز تقسیم بندی های متنوعی در این خصوص ارائه شده اعم از نوع فعالیت آنها، ارتباط آنها با هر یک از دستگاههای عمومی، گستره فعالیت ملی یا استانی، منطقه ای ای یا جهانی^(۹۴)

۵- در جمهوری اسلامی ایران حق مردم بر ایجاد تشکل ها و جمعیت های مختلف اعم از سیاسی(احزاب) یا غیر

⁹³ -Resolu on1996/31,ECOSOC,UN

^{۹۴} - اغلب کشورها در این زمینه قوانین مشخصی را به تصویب رسانده اند مثلا در هند که یکی از کشورهای دارای بیشترین تعداد نهادهای مدنی است قواعد دقیقی در مورد نوع فعالیت آنها تدوین کرده اند. جزئیات را در سامانه ذیربط ببینید: <http://www.ngosindia.com>

سیاسی (تشکل های مردم نهاد اجتماعی) ضمن اصل ۲۶ قانون اساسی برسمیت شناخته شده است. در اصل مزبور اعلام شده: «احزاب ، جمعیت ها ، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند ، مشروط به اینکه اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی ، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» مقررات عادی ذیربط در کشور، با همه تلاشها تاکنون نتوانسته به خوبی ظرفیت های اصل ۲۶ قانون اساسی را انعکاس دهند. (۹۵)

در ایران سازمان های غیر دولتی زیادی فرایند ثبت قانونی خود را طی کرده و فعالیت در عرصه های مختلف مورد نیاز جامعه دارند. با احتساب موسسات خیریه گفته میشود که هم اینک در ایران بیش از ۲۰ هزار تشکل مردم نهاد در

۹۵- در حال حاضر قانون جامعی در زمینه سازمان های غیر دولتی در ایران وجود ندارد و ضوابط موجود از نارسائیهای متنوع برای پوشش آزادی انجمنها رنج می برد. وزارت کشور چند سالی است که پیگیر تدوین لایحه ای در این زمینه برای رفع نارسائی های قانونی است .

موضوعات مختلف فعالیت میکنند و از مجاری قانونی ذیربط مجوز فعالیت دارند^{۹۶}). البته اخذ مجوز و هویت اداری لزوماً به معنای فعالیت واقعی و اثرگذار نیست به همین جهت می‌توان در یک غربالگری دقیق بسیاری از این نهادها را در زمره هویت‌های غیر فعال یا کم‌فعالیت محسوب نمود اما قطعاً صدها نهاد را می‌توان یافت که هر یک در زمینه‌ای خاص از امور اجتماعی فعالیت اثرگذار دارند. در میان هویت‌های ثبت شده غیر دولتی نهادهای بسیاری را می‌توان یافت که یا متمرکز بر موضوع زنان هستند یا اگر در حیطه دیگری فعالیت می‌کنند زنان نیز در آن نهادها از جمله فعالان برجسته هستند.

گفتار دوم) کارکرد های هسته های اجتماعی و توانمندسازی حقوقی زنان

^{۹۶}- یکی از مسئولان وزارت کشور در سال ۱۳۹۲ آمار ذیربط را ۱۷ هزار اعلام داشت. به نقل از خیرگزاری مهر، شناسهٔ خبر: ۲۲۱۳۹۶۳ - دوشنبه ۲۳ دی ۱۳۹۲. وزارت کشور در آبانماه ۱۳۹۴ اعلام کرد که از این وزارتخانه بیش از ۳۰۰۰ سازمان مردم‌نهاد مجوز فعالیت گرفته‌اند. نقل از: حمایت و ارتقای حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰.

۶- مجموعه هویت های غیر حکومتی که ذیل چتر جامعه مدنی مطرح میشوند یا به عنوان طیف گسترده سازمان های غیر دولتی یا غیر حکومتی قرار میگیرند، کارکردهای متنوعی را در سراسر جهان دارند.

برخی از مهم ترین کارکردهای آنها عبارتند از: آگاه سازی عمومی و فعالیت های ترویجی، حساس سازی عمومی نسبت به دردها و مشکلات جامعه، توسعه انواع مشارکت افراد در امور عمومی، ارائه مشاوره به افراد مورد نیاز یا به نهادهای رسمی، دفاع از حق و مبارزه با نقض حق، آموزش های مختلف تخصصی و مهارت آموزی، شبکه سازی مردمی، پژوهش و ارائه پیشنهادات علمی به مراکز رسمی، چانه زنی با مراکز عمومی و مسئولان نهادهای رسمی برای اثرگذاری در تصمیمات و عملکردها، اعمال فشار بر صاحب منصبان در جهت تصحیح عملکردها، شرمنده سازی ناقضان حق از طریق معرفی تخلفات آنها به جامعه، معرفی افراد شایسته در نهادهای عمومی و برجسته سازی الگوهای خوب رفتار مدنی، امیدوار سازی در سطح

عمومی نسبت به آینده جامعه ونفی یاس ونومیدی، فرایند سازی در زمینه های مختلف با هدف تضمین رعایت حقوق مردم، نوآوری وخلاقیت در ارائه راهکارهای حل مشکلات عمومی.(۹۷)

۷- بسیاری از تشکل های مدنی در فرایند توانمند سازی حقوقی زنان نقش آفرینی های متنوعی ایفا میکنند. از برگزاری دوره های آموزشی در ابعاد مختلف حقوق زنان تا ارائه خدمات مشورتی حقوقی ، دفاع موثر در مقابل موارد احتمالی نقض حق، پیگیری اصلاح فرایندهای خلاف نقض حقوق زنان، شبکه سازی مدافعان رعایت حقوق زنان با مشارکت خود زنان و مردان فعال در این حوزه، اطلاع رسانی مستمر موضوعات حقوقی مورد نیاز زنان، تولید آثار هنری و ترویجی مختلف اعم از فیلم ، کتاب، نمایشنامه برای حساس سازی زنان نسبت

^{۹۷} - در آثار منتشره مربوط به سازمانهای غیر دولتی اغلب کارکردهای جزئی سازمانهای غیر دولتی کمتر گردآوری می شود بلکه ذیل عناوین کلی تر معرفی میشوند مثلا سازمانهای خیرخواهانه، خدماتی، مشارکتی، توانمندسازی یا سازمانهای رفاهی، توسعه ای، حمایتی، آموزشی، شبکه سازی و پژوهشی. به عنوان مثال ببینید: آشنایی با سازمانهای غیردولتی و چگونگی مشارکت آنان در مدیریت محلی . دفتر برنامه ریزی و آموزش شوراهای وزارت کشور از سری مجموعه آموزشی شوراهای اسلامی شهر و روستا.

به حقوق خود و ضرورت توسعه توانمندی ها و مهارت ها، شناسائی بهترین تجربیات موفق توانمندسازی حقوقی زنان و انتقال آن به دیگران برای تبادل تجربیات و مهارت‌ها.

۸- بسیاری از تشکل ها و اجزای جامعه مدنی علی‌رغم قابلیت های خوبی که در اختیار دارند، به علت بی توجهی نسبت به اهمیت توانمندسازی حقوقی به طور عام و توانمند سازی حقوقی زنان به طور خاص، از ابعاد مختلف توانمندسازی مزبور غفلت می ورزند و همین امر باعث میشوند که گاه مجموعه فعالیت های آنان آسیب پذیر میشود یا فرصت ها و منابع زیادی به هدر می‌رود. به عنوان مثال در بسیاری از تشکل ها می توان این نارسائی را مشاهده کرد که چون از حیث حقوقی شناخت لازم را از قوانین و مقررات ملی یا بین المللی ندارند به درستی نمی دانند که برای پیگیریهای مختلف موضوعی مربوط به حیطة فعالیت خود در قوانین و مقررات و اسناد حقوقی بین المللی چه ضوابطی مقرر شده است که میتواند راهگشای بسیاری از چالشها باشد یا گاه خود مانع حرکت های مثبت است و باید

شبکه های مردمی فعالیت لازم را انجام دهند تا ضوابط قانونی دچار اشکال و ایراد، در مجاری قانونی ذیربط اصلاح شوند.

۹- با شناخت دقیق ظرفیت ها و آسیب های فراروی تشکلهای وهسته های اجتماعی ومردمی بهتر میتوان دریافت که در کدام زمینه های مربوط به حقوق زنان خلأ فعالیت واقدام وجود دارد. پس از شناخت دقیق موضوع یاد شده شهروندان مختلفی که تاکنون نسبت به شکل دهی سازمان های اجتماعی ومدنی اقدام نکرده اند می توانند پیشگام ایجاد مجموعه های مورد نیاز جامعه شوند وبرای حل برخی از مشکلات موجود جامعه همت وتوانائی خود را بکار گیرند.قطعا از جمله نیازهای فراروی، تلاش برای رفع نقائص کنونی مربوط به توانمندسازی حقوقی عموم شهروندان به ویژه زنان است.

خلاصه مباحث:

اگرچه در سراسر جهان اداره امور کشورها از طریق حکومت و نهادهای عمومی صورت میگیرد اما در نحوه حکمرانی و اداره امور جامعه تفاوت های جدی با هم دارند. جوامع توسعه یافته اغلب دولتهای کوچک ولی توانمند وچابک دارند که دائما مردم

و تشکل های مردمی را در فرایندهای اداره امور عمومی مشارکت میدهند اما در جوامع در حال توسعه معمولاً دولتهای عریض و طویل و هزینه های سنگین دیوان سالاری اداری جاری است و مردم نیز اغلب مشارکت همه جانبه ای برای حل مشکلات جامعه از خود نشان نمی دهند و انتظار دارند که همه چیز از بالا حل شود. با درک واقعیت یاد شده ، اگر قرار باشد ظرفیت اجتماعی هر کشور در خدمت ارتقای حقوق عموم شهروندان اعم از زن و مرد قرار گیرد حتماً باید برنامه ریزی های همه جانبه برای شناخت ظرفیت های اجتماعی و بهره مندی مستمر از قابلیت های آنان و کمک به رشد و توسعه واقعی هسته های اجتماعی و متقابلاً کوچک سازی و چابک سازی دولت صورت گیرد. بنا به تجربه عملی که در سراسر جهان مشاهده شده ، تشکل های مردم نهاد عام المنفعه و دیگر نهادهای جامعه مدنی می توانند کارکردهای موثری برای توانمند سازی همه شهروندان از جمله زنان ایفا نمایند. توانمند سازی حقوقی یکی از حیثه های است که می توان از این طریق مورد پیگیری جدی قرار داد. در جمهوری اسلامی ایران شایسته است ظرفیت های قانون اساسی برای توسعه هسته های موثر اجتماعی را مورد بهره برداری حداکثری قرار داد

وموانع فراروی در مقرات عادی وفرایندهای اجرائی را مورد بازبینی قرار داد.

پیشنهاد موضوع گفتگو:

- نمونه های اثرگذاری جامعه مدنی وتشکل های مردمی برای پیشبرد حقوق زنان در مناطق مختلف ایران یا دیگر کشورها یا سطح بین المللی را معرفی ومورد بحث قرار دهید تا تجربیات مثبت مورد استفاده قرار گیرد.

- موانع تفاهم فراگیر در عرصه عمومی برای پیشبرد حقوق زنان را چه مواردی می دانید و برای رفع آنها چه پیشنهاداتی دارید؟

- برای هم افزائی فعالیت هسته های نهادین اجتماعی در جهت ارتقای حقوق همه شهروندان از جمله زنان چه راهکارهایی را در سطح ملی و منطقه محل زیست خود در هر یک از استانهای کشور پیشنهاد می دهید؟

- کدام موارد مربوط به ابعاد مختلف توانمندسازی حقوقی زنان را نیاز فوری تر منطقه خود می بینید؟
چرا؟

معرفی منابع دیگری برای مطالعه بیشتر:

۱- درآمدی بر شهروندی جهانی، تالیف و ترجمه، حسین شریفی طراز کوهی، نشر میزان، ۱۳۹۲

۲- حقوق بین الملل سازمانهای غیر دولتی، غلامعلی قاسمی، نشر خرسندی، ۱۳۹۲

۳- تشکیلات و بایسته های حقوق داخلی و بین المللی سازمانهای مردم نهاد، اسماعیل آجرلو و مصطفی منصوریان، نشر پژوهاک عدالت، ۱۳۹۵

۴- حقوق و تکالیف سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران، محسن قاسمی، جعفر شفیعی سردشت، تدوین تنقیح

و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۹۴

۵- درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیر دولتی، محمدرضا سعیدی، نشر سمت، ۱۳۹۳

۶- راهنمای سازمانهای غیر دولتی، محمود رضا گلشن پژوه، نشر

ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱

۷- نقش سازمانهای غیر دولتی در توسعه پایدار، محمد جواد

زاهدی، نشر مازیار، ۱۳۸۸

۸- دومقاله تفصیلی دانشنامه ویکی پدیای انگلیسی زبان در

مورد جامعه مدنی وسازمان های غیر دولتی به آدرس:

https://en.wikipedia.org/wiki/Civil_society

https://en.wikipedia.org/wiki/Non-governmental_organization

۹- کار با برنامه حقوق بشر سازمان ملل، ترجمه فارسی کتابی

برای راهنمایی جامعه مدنی، موجود در سایت کمیسر عالی

حقوق بشر ملل متحد:

http://www.ohchr.org/Documents/AboutUs/CivilSociety/Handbookfor_Civil_Society_Persian.pdf

۱۰- توضیحات و اخبار سازمان های غیر دولتی ایران ، ارائه شده در

سایت مرجع سازمان های غیردولتی :

<http://www.ngosiran.ir>

همچنین لیست وب سایت های سازمانهای غیر دولتی ایران ،

ارائه شده در سامانه اخبار سازمان های غیر دولتی ایران:

<http://iranngonews.persianblog.ir/page/li>

st